

۵۰ مخصوص «ماه» توفیق
سفر به کره ماه - با ۴ صفحه اسطوره ها - همان ۱۰۰ ریال



حقوق یکسال نمایندگان معادل ۷۵ هزار تومان است.
بهای بلیت رفت و برگشت بکره ماه ۷۵ هزار تومان تعیین شد - جراید

اوس عباس - تو دولت نمیخواه ۷۵ هزار تومان بدی بری کره ماه سیر کنی؟
آمیروزا - من احتیاجی به سیر ماه ندارم، چون آخر هر ماه که حقوق میگیرم عرشو سیر میکنم!



آمیروزا



بدون شرح!

به روزنامه فروش محله تان
 بسیارید هر هفته برای شما
 «توفیق» بیاورد.



انتقال عباس آباد

د متروپاترن هوایی، عباس آباد را بشیران و شهری منتقل خواهد کرد. - اطلاعات ۲۶ تیر
 توفیق: تعجب نکنید، تون هوایی ما مثل سایر چیزها یار آتقدر قوی و نیرومند ساخته خواهد شد که بجای د منقل، کردن عباس آباد بشیرانات، این محله عنلیوه رادر انبالا خود میگذارد و شیرانات «منقل» میکنند!

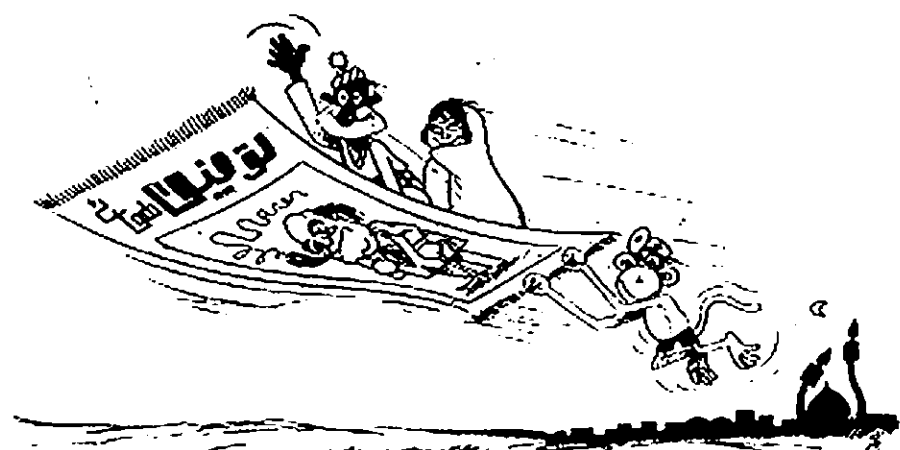
د غذای فضا، خوردن در فضا گوشت گوساله - سوپ
 جوجه - شیرینی میوه ای - قهوه و آب انگور است.
 حکیم نیل آرمسترانگ بنگه دنیائی:
 «من میگویم که آب انگور خوش است!»

و اکنون همزمان با ایران، در سراسر جهان

توفیق

هفتگی - در ۲۰ صفحه - روی کاغذ مخصوص هوایی
 مخصوص ایرانیان و فارسی زبانان خارج از کشور

کا کا توفیق بخاطر اینکه «توفیق» را راحت تر، سریع تر و آرناتر بدست
 دستداران توفیق در سراسر دنیا برساند اقدام به انتشار «توفیق هوایی» کرده است.
 چون «توفیق» هفتگی هوایی، در دوی کاغذ های نازک مخصوص نشریات هوایی چاپ
 می شود هزینه تمپرست هوایی در نتیجه: بهای اشتراك آن، به مقدار قابل توجهی ارزان است.
 اکنون شما با پرداخت بنگه مبلغ جزئی بابت «اشترک توفیق هوایی» میتوانید
 هر هفته هدیه های بسیار مشمول کننده، آموزنده، سالم و دوست داشتنی برای دوستان عزیز
 با فرزندان دلبد خود به خارج از کشور بفرستید.



چطور مشترک توفیق بشوید:

- ۱- اشتراك نشریات توفیق (هفتگی - ماهانه - و هوایی) بسیار ساده است:
 ۱- چنانچه شما در تهران هستید میتوانید با تلفن های ۲۳۱۷۱۵ و ۳۳۹۶۷۳
 و با بامراجعه به دفتر روزنامه توفیق - خیابان استانبول - شماره ۱۲۸ و خوردن یکمقد
 آب نبات، از بهای اشتراك هریک از نشریات توفیق برای آدرس مورد نظر خود مطلع
 شده فی المجلس مشترک نشریات توفیق شوید.
- ۲- و چنانچه در شهرستانها یا در خارج از کشور هستید میتوانید با مکاتبه با درس:
 تهران - روزنامه توفیق - قسمت مشترکین، از بها و طریقه اشتراك نشریات مختلف توفیق
 برای آدرس مورد نظر خودتان مطلع شوید.
- ۳- علاوه بر آن: بهای اشتراك توفیق برای داخل کشور، یا برای خارج از کشور
 با بست زمینی، و ترتیب اشتراك ساده تر آن در صفحه ۱۹ چاپ شده است.
 هر هنده، توفیق هوایی را داغ داغ مطالعه کنید.

- همگونی!

حالا دیگر هر جای دنیا هستی، همه همه در چهره یادت نره: دم!: روزنامه توفیق

نیست مقدورش

د شراب ناب میخواهم که مردافکن بود زورش و
 به شرط آنکه حتما مال قروین باشد انگورش
 نگار من که از نزدیک دل را میزنه، برهم
 همان بهتر که آندازی نتر بر چیره از دورش
 زن همایه دارد باسنی مثل دوتا بچه
 همین باسن نموده در میان خلق مقدورش
 اگر خواهی شوی این ز ضرب انگه آتش زن
 معایب مدمش دو چون من، عمل کن طبق مقدورش
 زلم گفتا نخور روغن نباتی بعد از این هرگز
 نمیدانم چه بود از گفتن این حرف مقدورش!
 بود خوشحال و خندان دختر سی ساله ام امروز
 یقین دارم که مره احضی افتاده در تورش
 بیاور یک چینی تا با دکتی، یک لحظه خوش باشم
 بگو، مغرب بیاید با بساط تارو تپورش
 از این دنوای بی حاصل دام بگرفت، ای عاقب
 هم از افراد ناباش هم از اوضاع ناچورش
 نیاید مگر خوش از سینه شاعر منک
 اسر شعری از این بهتر نگفته نیست مقدورش

نوعی مخابره!

طبق پیش بینی کارشناسان فن، چنانچه «عکس» های که
 از کره ماه بزمین د مخابره، میشود قابل استفاده باشد در ایران
 نیز این سیستم مخابره رایج خواهد شد و در آن صورت در فصل
 ماهی هر هفته یکبار برای ساکنان تهران ماهی سفید «مخابره»
 میشود و در فصل میوه هم هر هفته یکی دو بار میوه
 فراموش نشود که این ماهی ها و میوه ها به ده ماهی مخابراتی و
 «میوه مخابراتی» مقلب میشوند!

با این شماره تلفن ها:
 ۳۳۹۶۷۳ - ۳۳۱۷۱۵
 شاهم مانند هزاران نفر دیگر
 مشترک نشریات «توفیق» شوید





صاحب امتیاز و مدیر : حسن توفیق
 ساعات کار : عصرها (به استثنای پنجشنبه و جمعه)
 از ساعت ۴ تا ۹ بعد از ظهر

نقل مندجات نثریان توفیق تا یکماه پس از انتشار
 در جراید و مجلات با ذکر مأخذ آزاد است و کلبه حقوق
 منحصرأ به روزنامه توفیق تعلق دارد.

محل اداره : تهران - خیابان استانبول - شماره ۱۲۸ تلفن : ۳۳۹۶۷۳ - ۳۳۱۷۱۵ اقتباس و تقلید ممنوع است چاپ رنگین نایغ سهسالار

بمناسبت سفر به کره ماه
 چهار صفحه کامل و بدون شماره صفحه به روزنامه اضافه شده که در صفحات وسط ملاحظه میفرمائید



سر مقاله توفیق...

در راه یافتن شصت هزار دانش آموز جدید به مدارس!

مقامات آموزشی با نزدیک شدن زمان اسم نویسی مدارس، معمول سنواتی به تکاپو افتاده و اعلام کرده اند که سال تحصیلی آینده شصت هزار دانش آموز جدید به رس راه خواهند یافت.

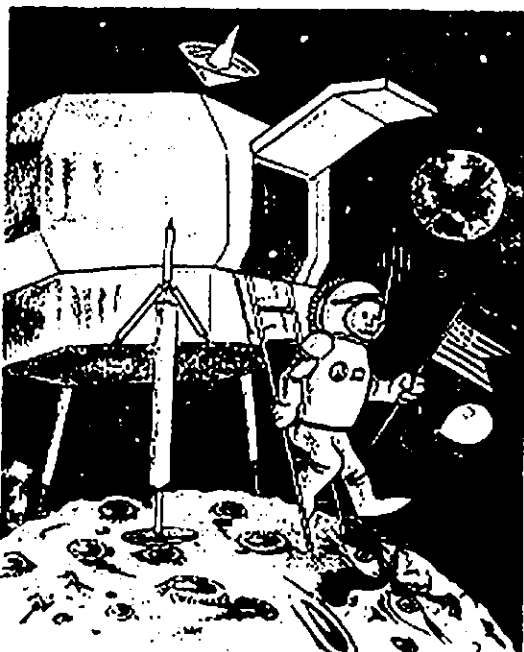
این تکاپو البته تکاپوی مقدسی است چون وزارت آموزش اوایل تابستان هر سال، دفعتاً بیاد پانیز و آغاز سال تحصیلی شد و بلافاصله گوش پی گیری را برای اجاره کردن به های جدید و استخدام معلم و خرید نیمکت و تختسیاه باز میکنند (!) و خود را برای پذیرفتن حداقل شصت هزار دانش آموز جدید آماده میسازند اما معلوم نیست چه عاملی عت میشود که هدفه هنگام اسم نویسی بچه ها ، والدین چاره باید بشت در مدارس بیاند و یا برای زورچیان کردن مگر گوشه های خود در مدارس ، به شیوخ محل متوسل شوند از طوطی آنها استفاده کنند و با همه این احوال باز به دست از زیر برگردند و برای گذاشتن بچه ها در مدارس غیر دولتی دست در کار فروش و اگر زمان حثت و سیخ و سه پایه خوب بشوند بایبده کاکا این مسئله هیچ علتی جز بی خبری والدین بیخوان داشته باشد و بیچاره دیگر چنانچه اولیای نوبادگان نیز روزنامه بخوانند و از حدیث « آماده بودن مدارس ای پذیرفتن شصت هزار دانش آموز جدید ، مطلع بشوند رفتن دست کوه خود را بگیرند و به اولین مدرسه محل ببرند و بگویند این هم جزء آن شصت هزار دانش آموز مدیبریت که شما آماده می پذیرفتن را دارید ! الا والله که این اسمش را بنویسد!

در آن صورت نصف نضبه که اسم نویسی کودک در مدرسه اند حل خواهد شد و فقط میماند جا برای نستین این دانش آموز جدید و معلم برای باسواد کردن این آقا کوچولو با دختر خانم که آنهم مسئله مهمی نیست چون اگر یک مدرسه با برای نستین دانش آموزان جدید و یا معلم برای تدریس آنها نداشته باشد سرتوکه قضیه را یک چوری هم میسازد و لی اصلن به آنها میگوید چون جا و معلم نداریم شما یکروز در خانه بمانید و بعد از آن بیاید و یکروز هم تعطیل باشید تا به اینهم چه پیشی میآید!

و بدین ترتیب کودک نوآموز هفته ای هفت روز در خانه بماند و بعد سر فرصت درسهائی را که آقا معلم ها داده اند از هفتاد و پنجاه خود میبرد و در میخله خود جای میدهد! پس با توجه به مراتب اولی باین نتیجه میرسیم که در امر آموزشی عمده مطلب اسم نوشتن بچه ها است ، والا نستین در کلاس و یا هر گرفتن درس از معلم ، مطلب قابل توجهی نیست!

یک دهاتی روغن بشهر آورده بود . مرده کلاشی روغن او را بقیمت پانصد و چهل تومان از وی خرید ولی هنگام پول دادن چون رنگه برداشت و گفت من پانصد و چهل تومان پول بدتکارم و تو هم پانصد و چهل تومان از من طلبکاری با این حسابی با هم نداریم!!
 مرده دهاتی فکری کرده و محنت : حساب تو کاملاً درست است ولی نمیدانم روغن های من کجا رفته !!

جایی که برای مدرسه رفتن نوبادگان کرده اند کاملاً درست است (!) فنند معلوم نیست که این شصت هزار دانش



دانشانورد آمریکائی با پای چپ بکره ماه قدم خواهد گذاشت . جراید ماه - ای آمریکائی ناقلا هنوز نرسیده با ما چپ افتادی!

- ◆ جوانان : بیا بریم کوجه بچینیم . انگولکچی : بریم ، لیمو ، بچینیم که چتره!
- ◆ کیهان : در تهران به يك پیمار ، لکن خاسره پیوند زده شد
- ◆ مولی : مگه لکن خودش چه میبی داشته!
- ◆ اشرف : در آفریقای جنوبی جوانان سفید پوست را به خدمت نظام میفرستند . کاکا : ... تا بعداً خدمت سیاهپارسند!
- ◆ مذاکرات مجلس : دکتر ولیان گفت : حزب احتیاج به عضو زورکی ندارد . مولی : اعضاء که احتیاج به حزب زورکی دارند!
- ◆ جوانان : پروفسور با درآورد دروغگو از آب درآمد . کاکا : نکنه اونهم وارد سیاست شده!
- ◆ زنروز : نامزدم خود را میخواهد یا ثروتم را!
- ◆ سینهبیز خانم : خود ، ثروت تو!
- ◆ اطلاعات : « محمد بوقی » ، از طرفداران فوتبال ایستهای مطلوب کنگ خود . انگولکچی : بازی اشکنگک داره ، دوری ، شکستنگ داره!
- ◆ آیتدستان : مدیر عامل شرکت تعاونی تاکسیرانی گفت : وانندگان تاکسی در گذشته اسیر نزول خواران بودند . توفیق : ... و حالا اسپر شرکت تعاونی هستند!
- ◆ بانوان : سببگاران يك نفر جسم مرا یا خویشان برد . انگولکچی : حتماً و آشنائی بوده!
- ◆ جوانان : کاخ جوانان برای این تشکیل نشده است که فقط کسرت بدهد . مولی : بعله .. گاه گذاری باید بپارتی هم بدهد!
- ◆ خواندنیاها : من زبیه شما هستم . انگولکچی : اختیار داری ، آبگامونی!

گوشت آبگوشتی

ای گوشت ، همراه دوسه تانان خوش آمدی در سفره فقیر پریشان خوش آمدی در سفره فقیر ، بمنوان آبگوشت یا یک قرابه آب و دوتا نان خوش آمدی نظر حسدای ملی ما از وجودت اندر بخدای ملی ایران خوش آمدی ای چاره ساز معدده شهری ، قدم بخیر وی نور چشم دیزی دهقان خوش آمدی چشم دو ماه بود که رنگت ندیده بود امروز بعد از آنهمه هجران خوش آمدی ای دنیه تو اندک وای وزن تو فلفل همراه استخوان فراوان خوش آمدی از چرم ناپزا تری از سنگ سخت تر ای مایه شکستن دندان خوش آمدی

ای از لحاظ وزن بسی کم تر از دوسه سیر وی در بها فروزن رسه تومان خوش آمدی یک تکه تو از بزو و یک تکه ات از میش ای پاره تن دوسه حیوان خوش آمدی از ما امر تو دور شوی ، کار مشکل است ای مشکلات ما ز تو آسان خوش آمدی ای گنجها رساننده به یکدشت مرگ خوی وی رنجها رساننده به چوپان خوش آمدی

(خروس لاری)

سومشق هفته

آنانکه فتح ماه به روی فضا کنند

آیا بود که میل به صلح و صفا کنند ..

دستبرای خنده

سینما - رادیو - تله و زوزون..



سنگین ترین ستاره!

در محافل هنری، خانم «ثریا پوشتی» یا عبارت دیگر دو نامین فیلم‌های فارسی، بعنوان «سنگین ترین» ستاره وطنی شهرت دارد. از آنجا که «ثریا خانم» در اغلب فیلمهای فارسی لخت و پتی ظاهر می‌شود ممکن است عده ای او را بعنوان «سنگین ترین» ستاره قبول نداشته باشند در حالیکه این موضوع عین حقیقت است چون طبق یک محاسبه دقیق، ایشان حدود صد کیلو وزن خالص دارند که هیچ ستاره دیگری بیای او نرسد! - «ملاپوین»

اشتباه لپی!

در حالیکه دعوی اله و گوگوش خیر زیر را هم از کجهان بخوانید:

در این هنگام که اله و گوگوش در خیابان آقاولی در برابر هم ایستاده بودند و از یکدیگر به آفسر پلیس شکایت میکردند، صابر اشین پدر و همسر گوگوش و همچنین تاشک حجت با کتیبه‌سی کردند با سراجار ما و دولت آنها

- گناهی کردن خبر نویس کیهان..

سگ را دم قصایی میکش!

در این هفته فیلمبرداری فیلم «گرچه رو دم حجله میکش» پایان پذیرفت، انتظار میرود که بلافاصله فیلمی هم نظیر این فیلم تحت عنوان «سگ روم قصایی میکش» ساخته شود. - نازک فارسی

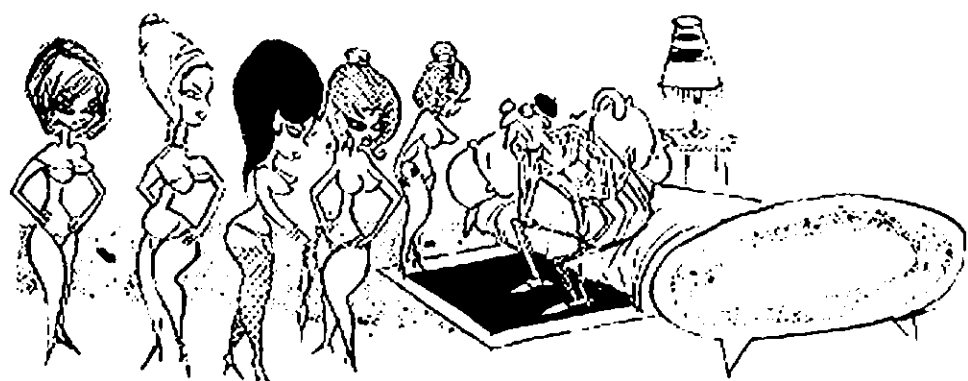
تکته هنری

□ یک سفارده ایرانی وقتی میتواند هنرش را بشود احسن بروز بدهد که در فیلم «لش» و «ننه حوا» را بازی کند!

فیلم هفته:

آخرین سکه!

فرستنده سوزه: ولعت نیا



کارگردان - خیلی معذرت میخوام، من دیکه اون توانایی سابق را ندارم که از شما ستاره مشهور بسازم!



«آبولو» به ماه سفر کرد،

پیاده اولی به دومی - با اینکه وسیله نقلیه، ما باید با «خط ۱۱» بریم سر کار و برگردیم!

بلیت سه زاری

بموجب یک طرح تازه، قرارداد بلیط اتوبوس هم به قیمت و بهار کی گران خود! سابق بر این که بلیط اتوبوس ۲ قران بود، رندان آنهمه از درآمد شرکت واحد بلند کردند... حالا که می‌خواهند ۴ قرانی بکنند، معلوم نیست چه بلالی سر بودجه شرکت زاده خواهد آمد!



مال التجاره

شندم کرده‌ای هور دو باره به خریدی زمت و بلفواره تجارت میکنه بابات عوزم توی دردت او «مال التجاره» (ج- پیرهته)

عطاکن

خداوادا تو دردم را دوا کن مرا از چنگ دکترها رها کن بجای شربت و آمپول و کپسول هفتش تا سونی اسکن عطاکن (درم چقدر)

حقوق

ایا دختر که با پایت وکیل وکیل شورها، از اردیبه بوه پولدار، با پای تو، اما- بکنس او حقوق من قلبه (آلی محمود)

بیمبم

لب دریا برم ساکت لببم که پر از داوه درآیدم بیمبم برای پیش چرونی، ازره دور کوتا لبمی او را برگزینم

م - شیدر

ان فروشی میوه و تره بار و نرخ نان در جلسات انجمن شهر مطرح شد.

لجها که خبر داریم و دارید نه و نو، مگر بازم تو کار نهاید بدی که موضوعت مطرح باید گفت مرحبا، احسنت، به به! مطرح کردن تنهای تنهای برامون دیگه هم نون میشه هم آش

چهار کشور بزرگ از رفیع بحران خاورمیانه عاجزند، پس فاتحه دیگه تموم شد چه اوقات عزیزتی که حروم شد بدی که این چار و خان و الاء، که خیلی میخورن آب بالا بالا س و واریسی آخه رج نمایند سر خر را از آنها کج نمایند افوس که اینهام خبیث کاشند نیاقت جات این کارم نداشتند!

۳ درصد از محصولات کشاورزی بعلت بدی وضع بسته بندی از بین میرود.

ز هم کرم خادار محصول پنبه را تهدید میکند، ادرات خرما بعال، مختلف پیشرفتی نکرده است.

بنا تا به خرما تا به کشمیش شده وضع همه می ادم قارنمیش نالان ز استاندارد خویش ز کرم خادار آن پک پریش و لت هم کماکان چون همیشه حریف هیچکدوم اصلا نمیش

فراکسیون حزب اکثریت از اقدامات شهردار حمایت کرد، آشی را که این آشپز پزیده! و رفته توی لاک خود خزیده لایم تعریفش را خود نماید، حمایت از او طبق مد نماید.

دویست نفر بدنبال سفر را کفتر در آرژانتین دستگیر شدند، مارجم باش که تصددها هزار گام از محض گل روی عمو سام دستگیر و یا اعدام کردند پیر عنوان و با هر نام کردند ان زین رهگذریک لحنه، یک آن نیارد خم به ابروش، را کفتر خان

وصول مالیات آسان تر میشود.

از تنبان در آورده اند از پات چنان دوشیدنت که عقل شده مات از روزه حوصلت از سر بردش وصولش تازه میخواه سهلترش

ترقی کرایه مسکن از ۲۰ درصد تجاوز کرده است، و پست درصد اگر شد پست درصد به دصفر، کندله، هده از جلوش رو نیال کن انبیا از چاپ پوره اضافه کن بهش صفری تازه ده ست آید تا مقیاس گرونیش همین و والسلام من دیگه گدمیش!



در هر روز ۳ هزار تن میوه وارد بازرگانیها میشود، - اطلاعات زن به شوهر - ببینم، از ۳ هزار تن میوه همین چهار تا اختیار بازرده بتو رسید؟!

توی سوراخ سومه ها!

بعد از دعوی الهه و عی گوش در مجلس تروسی
- امشب کجا دعوت داری؟
- هر دوس پس خاله مه، به سرف شام و تماشا ی بزن بزن الهه و گو گوش دعوت دارم!

بعد از فرود آمدن انسان در ماه
رئیس مجلس - کرة دماه، واسه چی میخوای بری
و کول دماه، شهر - میخوام به حوزه انتخابیهام سر بزنم

بعد از جنجال طرفداران شعر نو و کهنه
- ما نفهمیدیم تو دیگه چرا از شعر نو طرفداری میکنی؟
- آخه قریونت برم، ما کشفمون که کهنه س، لباسمون هم که نیمه داره، بذار افلا شعرمون د نو، باشه که کهنه زدگی، پیدا نکنیم!

بعد از گرمای هوا و شل شدن اسفالت خیابانها
- دهه استر آفام، چرا توی این گرما وسط خیابون زیر آفتاب وایسادی؟
- چیکار کنم، باهام تو اسفالت خیابون فرو رفته فرستادم عقب جراثقال!

بعد از سروصدای جاو گیری از مهاجرت شهرستانیها به تهران
شهرستونی اولی - جعفر خان، تهران رفتنت چطور شده؟
شهرستونی دوم - هیجی، همه کارها درست شده، فقط مونده که پاسپورت آماده بشه بعد هم ببرم « سفارت تهران، ویزا بگیرم! »
« دولو »

مزایای شغلی
ناظران سیاسی
پیش بینی می کنند که ممکن است « اوس عباس » بعنوان نماینده مادام العمر مجلس خود را انتخاب شود.
علت این انتخاب اینست که مقامات مجلس میخواهند « اوس عباس » همیشه در مجلس باشد تا برای « درز گرفتن » حرفها در موقع مقتضی از وجود او استفاده کنند! « شهرام »



مکن از دماه ملهمین حرکت زالد
م - خوب به ریش همه شون خندیدیم ها ..

□ صفر شنبه :

هزار دویست میند گیلو خاک خاص که به همت سازمان آب و شایدهم شرکت برقی یا تلفن - در پراده روی خیابان شاه آناه جمع شده ، عابران را به شدت ناراحت کرده است . مقامات شهرتاری پایتخت اگر این خاک را جمع آوری کنند ، کار مهمی کرده اند که از نظر عابران این خیابان ، از جمع آوری و حمل خاک کره ماه نیز مهمتر است .

□ یک شنبه :

در ساعت ۱۰ و بیست دقیقه شب شنبه ، گوینده تله ووزون میلی برنامه ای را که اجراء می شد ، قطع کرد و به اصطلاح « تماشاگران محترم » رساند که « هم اکنون ، نواری از آپولو به فرودگاه مهر آناه رسیده که به محض وصول ، پخش می شود . » ده دقیقه بعد ، عیناً همین خبر را تکرار کرد . نیم ساعت بعد باز هم تکرار کرد . سه ربع بعد باز هم تکرار کرد . مخلص ترجیح دادم بقوایم و منتظر نوار تمام . چرا که حساب کردم و دیدم برای دیدن یک نوار ، همان مدتی را در انتظار بوده ام که آپولو - ۱۱ یکبار سرتاسر کره زمین را دور میزند !

□ دوشنبه :

هذان چهره هائی که همراه صدراعظم به بندرعباس رفته بودند در سفر سیستان و بلوچستان هم همراه نخست وزیر خواهند بود . اهالی سیستان و بلوچستان میتوانند از همین حالا از اقداماتی که این هیئت برای آنها انجام خواهد داد مطلع شوند . راهنی اینست که جراید یک ماه قبل را مطالعه کنند ، هر وعده ای که به اهالی بندرعباس و توابع داده شد ، به آنها هم داده شود !

□ سه شنبه :

اعتراض آقای « چاخان هیر » عضو فراکسیون پارلمانی « حزب اینارو بین » به ریش و پشم شعرای نوپرداز ، موجب بحث و گفتگودر محافل و مجالس مختلف شد . ولی امروز این بحث عملاً پایان یافت و آقای چاخان شیر هم علی الاصول باید حرف خود را پس گرفته باشد . چون صدراعظم عسائی اعلام کرد مسائل عمده کشور ما سینه کار کلفت و نوکر یا ریش و پشم جوانها نیست و به تجربه ثابت شده که برای یک نماینده مجلس حرف نخست وزیر از صدتا استدلال منطقی هم بهتر ارزش دارد !

□ چهارشنبه :

شیوع وبا در « کشور های همجوار » ، موجب شد که وزارت بهتری به حال آماده باش درآید . ما نمیدانیم آماده باش بهتری چه شکلی دارد ، ولی این را میدانیم که بهتری اگر بخواهد جلوی وبا را در مرز بگیرد ، باید اولاً مرزهایی داشته باشیم که در و دربندانی داشته باشد و ثانیاً در نقاط مرزی وسایل کافی داشته باشیم ... و این نقاط همان جاهائی هستند که اهالی آن سال تا سال ریخت دکتر و دوا را نمی بینند چه رسد به وسایل جلوگیری از وبا .

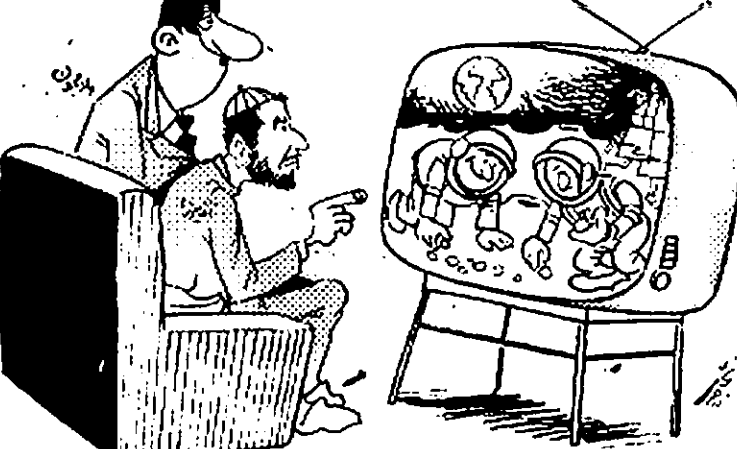
□ پنجشنبه :

مدیر عامل شرکت زالدخت : چاه چوله های تهران اتوبوس های قراضه شرکت را قراضه تر کرده است . لابد مقامات شهرتاری هم جواب می دهند که اتوبوسهای زالد ، خیابانهای درب و داغان تهران را درب و داغان تر کرده است . بیچاره ملت که باید هزار جور عوارض طاق و جفت به شهرتاری بدهد ، ساعتها توی صف بماند و بغاطر ده قدم راه ۲ قران به کسبه شرکت زالد بپردازد .. و آنوقت خیابان و اتوبوس که ندارد هیچی ، این حرفهای صدمین یکگاهی را هم بشنود !

□ شش شنبه :

در تهران طی یک عمل جراحی ، لگن خاصره یک نفر را عوض کردند و بجایش لگن خاصره مصنوعی گذاشتند . چشم چرانهای محترم متوجه باشند که از این پس کلاه سرشان نرود ... چون اخیراً حتی اسکلت پستی دسکی ، هم کم کم دانه بصورت « مصنوعی » درمی آید !

□ گردن شکسته :



« فشانوردان نمونه هائی از سنگ ریزه های ماه را جمع میکنند ، آمیرا - اینها واسه چی سنت ریزه از رو کره ماه جمع میکنند ؟ بادمجون - واسه یه قل و قفل بازی کردن . »



روز های اول روزنامه ها جریان محاکمه متهمین شرکت واحد را با آب و تاب نوشتند ، ولی دفناً خاموش شدند . بدون شرح !



جایزه جدید !

طبق بررسی های دقیقی که بعمل آمده در حال حاضر جز « خاک ماه » هیچ کالایی در کره زمین وجود ندارد که آن را جایزه قرار نداده باشند از این رو مؤسسات جدید اناسیسی که میخواهند پسرپداران کالای خود جایزه بدهند چاره ای جز این ندارند که از « شهریه مدارس » استفاده کنند و پسرپداران کالای خود معادل یک ماه « شهریه مدرسه » جایزه بدهند ! بدیهی است چون پرداخت شهریه یک مبتلابه عمومی است خیلی زود طرف توجه قرار خواهد گرفت ! « ضدضربه »



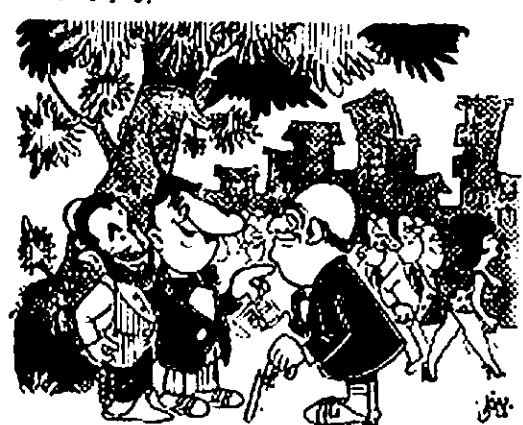
گردن شکسته :



گفت : آورده اند در آبگیر مجلس دودبلاه بنام دعائی، و «پبازی» و «سنگ پستی» بنام دو کبل، ساکن بودند، ناگهان دست روزگار را کردار کرده، مفارقت در میان ایشان افتادند روزی بطان بنزد سنگ پست آمدند و گفتند می خواهیم سفری به جنوب کنیم سنگ پست از درد فراقی پناهنده شد و عرف از چهره بیارید و گانت مرا تاب دوری شما عزیزان نیستد باید همراه با خود ببرید گفتند : می نتوانیم گفت توانید گفتند: اگر خواهی که ترا ببریم شرط اول آنست که چون ترا برداشتم و در هوا اوج گرفتم چندانکه دلمت را چشم بر ما افتد و چیزی گوید سکوت اختیار کنی و لب نکشائی گفت: فرمانبردارم ایشان دعاهائی، دراز بیاوردند و سنگ پست میان آن عسا را چون ران مرغ کبابخانه مجلس محکم بندگان گرفت و بطان از دوطرف عسا را برداشتند، چون اوج گرفتند دلمت را از کار ایشان شکفت آمد و با اتفاق «کاکا» این توفیق، دو تائی سنگ پست را دهنه کردن بی اغازیدند لذا سنگ پست ناراحت شد و بالاخره تاب نیاورد و خواست،



حرفی بزنند و سخنی برانند تا در دهان مردم گذارده آید، لذا آننگ سخن گفتن کرد اما دهان گشادن همان بود و از آسمان و کالت افتادن همان .
قطعه :
هر تو خواهی ز او ج پست و مقام
تقوی ساقط و نیسانی زیر
از برای دهان بی صاحب
تج و سوزن بدست خویش بگیر
(ابوطیبار)



دهویدا گفت ما از احاطه مینی ژوب عقب افتادگی نداریم، باده چون، چرا عقب افتادگی نداریم ... نگاه کنند چهل پنجاه نفر افتاده اند عقب یک نفر!



«نی نی کوچولو»
روغن کله پاچه،
ریش سفید و کیلون
چدا ز مثنی ملت
غذاش چلو کبابه
نم کشیده سوادش
کار بلده ! ناصحن!
جنت میز ندر و کرسی
عقوق او کلاه
راضیه از پیمازی
مرفه کاخ و ماشین
نه فکر شوست و نونه
جلوش بذاره از دم
میکنه فوری تصویب
صب لاغر و بیغنده

«کچل کچل کلاچه»
کچل که! بادمجون
صاحب پول و ثروت
در سفر فوت آ
رسیده بر مرادش
نوش بود تو روغن
صب که مواد با ارسی
ساکت و بی زبونه
هت بنگر بسازی
وضع او شنه تاملین
راحت و در امونه
هرچی که صدر اعظم
از روی نظار ترتیب
چونکه شده برنده

«وکیل مدافع آزدم گفت : واکل من قربانی دسته بندی شده است»



دسته بندی آ



صندوق شکایات مردم

شهر تازی خوابش پرده ؟
در حالیکه سروصدای مبارزه با گرانفروشی بلند شده و شهرتاری به خیال خودش نرخ اغذیه را «تثبیت» فرموده، در کافه «قناری» تهران، یک پسی کولا را ۲ تومان می فروشند که با دو قران سرویس، میشود ۲۲ قران !
مخلمن بعد از نوشیدن یک بیسی کولای ۲۲ قرانی، شمر زیر را گنتم که جهت مزید اطلاع جناب شهرتاران متخابن، امر به درج فرمائید:
گذر کردم سوی کافه «قناری»
بخوردم من به پسی شیش زاری
طلب کردند از من بست و دو زار
کاسا چون، پس چیکاز من شهر تازی ؟
«آق محمود»
و اما جواب کاکا :
مکن ایدوست دیگراه و زاری
میرس از هن ز کار شهر تازی
کا زیر سبند نیلوفری قام
همیشه بوده کارش بی بخاری!



عذر

یکروز «عزیز خان» کمک دنده توفیق داشت مظاهلی را که روی میز «کاکا» بود، زهر رو زد و دنبال چیزی می گفت. «کاکا» که از کار مجب کرده بود پرسید :
«عزیز خان، چی میخوای ؟ و «عزیز» اصله خودش را کنار کشید و با سادگی جواب داد :
«عذر میخوام !»

جواب

«گل مولا» در جلسه هیئت تحریریه سوژه ای کرده بود باین مضمون :
«در محاکمه متهمین شرکت زائد کاکا بانند شده یکی از متهمین می گوید که جواب دادگاه رو، جواب خدارو چی میدی ؟»
و مرتب پافشاری می کرد که حتماً این سوژه بب و چاپ شود. «آبدردک» وقتی اصرار مولا را دید گفت : «گیرم که این سوژه تصویب اب هم شد، جواب خواننده هارو چی میدی !»

آپارتمان نوظهور!

شنیدی در جنوب شهر میخوان آپارتمانهای ن قیمت بازان ؟
«آره، حتی میدونم که قیمت شون از هفت هشت تومن تجاوز نمیکنه !»
«چی داری میگی؟ یک آپارتمان هشت هزار تومن؟»
«آخه تیر آهن هاش چوبیه سنگ های رویناش، آشپزخونه اش هم قاطی اطباق خوابه، ولی احش میافته تو اطباق تشبیم» «ضدضربه»



موجب طرح پیشنهادی شرکت نفت بلیط خطوط و بوسانی ۳ رهاال باید بشود... - جراید -
مدیر غافل - شنیدی کاشناسهای هرکت رفت گفته اند بلیت از بوسها باید سزار بنه ؟
کاکا - سه «سه» بارکه «هفته» بار غلط کرده!



دزدی مردها نیز مینی ژوپ می پوشند. - جراید بدون شرح!



تره به تخدمش امیره ، ابولی به باباش!

المان از حشرات

امشی و د. د. ت. رانیست، توگولی اثرات
المان از حشرات
حشراتی که بود موجب صدها خطرات
المان از حشرات
شب بگذرند، من از نیش کک و پشه و ساس
رفتم از هوش و حواس
اوقنادم چو یکی هست به حال سگرات
المان از حشرات



فکری پرچانه

نیش آنها بدر آورد ، به پستر پدم
آخ سرم، آخ کرم
عرق از چهره من ریخت، به حال قطرات
المان از حشرات
پشه زد نیش بادست و سر و بر لاله گوش
رفتم از درد، ز هوش
سای زد نیش، به بازو و سون فقرات
المان از حشرات
صف کشید دست توی خانه ما سوسک سپاه
داده تکمیل سپاه
هست تکمیل ، زحمت اهوات و فقرات
المان از حشرات
من پرچانه ز آزار کک و ساس و مگس
اوقنادم ز نفس
پاک بیچاره شدم بنده ز دست حضرات
المان از حشرات

معالجه!

د مردی دست چپش شکسته بود ، در
بیمارستان دست راستش را کج گرفتند ،
- جراید
مریض - آقای دکتر دستم بدامت،
دندونم بشدت درد میکنه ، به فکری
بچالم بکن .
دکتر - غصه نخور ، دستور دادم
الان پرستار بیاد انگشتهای پاتو پانسمان
بکنه !



یار سیمین!

باغ و گل و سبزه و چمن، یعنی این
فیولفر و یاس و نسترن، یعنی این
کردی تن و روی خویش را سیم کئی
شک نیست که یار (سیم تن) یعنی این!
- دلیبوره -

نامه های خوانندگان



کاکای عزیز :

در توفیق شماره ۱۲ مشاهده کردم عکسی از
کره ماه چاپ شده بود و کنار شمع نمایندگی توفیق
کره ماه با خط ریز نوشته شده بود شب جمعه
دو چیز یادت فرم، خواستم از شما خواهش کنم بسا
همان وسیله ای که توفیق را به کره ماه می فرستید
به «داراب» هم بفرستید تا شب جمعه بدست ما برسد
«معناد به توفیق : ن - حقیقت»

جواب : با وضعی که پستخانه مبارک دارد ، امر
می خواهید شب جمعه توفیق بدستتان برسد راهی
ندارید جز اینکه شاهم به کره ماه بروید!



حضور محترم هیئت تحریریه توفیق

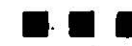
می خواهم پیشنهاد کنم که :

اولا : انتخابی از اشعار چاپ شده در توفیق
بمیل بیاید و بصورت کتاب توفیق منتشر شود .

ثانیا : عوض اینکه به مادرزن حمله بکنید
تذری هم به دامادها بتازید . «مادرزن»

جواب - اولاً : از پیشنهادی که در باره خرید آوری
بهترین اشعار چاپ شده در توفیق داده اید بی نهایت
ممتونیم . این موضوع را به کاکا می گویم و نتیجه
را به اطلاع می رسانیم .

ثانیا : ما فقط از مادرزنها ای انتقاد می کنیم که
آدمهای خوبی نیستند . البته اگر شاهم از دامادهای
بد انتقاد خوشمزه بکنید ، حتما چاپ خواهیم کرد .



تذکر - محض حفظ سلامت چشم مخلص هم
شده ، لطفاً نامه های خود را خوشخط تر و مختصرتر
بنویسید ! «ابوطاهر»

فاکتور بیخ!

حوزه های مالیاتی تهران به مؤدیان مالیات اخطار
کرده اند که اداوار مالیات بخونه مخارجی را قبول خواهد
کرد که دارای فاکتور باشد . فی المثل اگر یک مؤسسه در
روز یکریال بیخ بخرد باید از فروشنده فاکتور بگیرد
اینک با توجه به مطلب فوق به کلیه فروشندگان بیخ
اخطار می شود که هر چه زودتر مقداری فاکتور چاپ کرده
و ضمن معامله در اختیار خریداران بگذارند و نیز خود
آنها هم موظفند از کافه فروش و صحاف و چاپخانه ،
فاکتور بگیرند و الا مخارجی که برای تهیه فاکتور بیخ
متحمل شده اند مورد قبول واقع نخواهد شد !

(شکرشکن)



سید میرزا

■ - یکی از نوابیح جدید الولاده سید ا د س - سام ، از ردیبل است که یکشنبه ره مساله رفته و در اولین اثر خود چنین برت و پلا مرض فرموده است :

پهلوان هاعرانم با قللم سنگین خود کلاه مخافتین را بکنهو دالمون میکنم ای سید میرزا اگر این شعر ادرج کنی لاجرم از اشک چشمم گیتی را جیحون میکنم سید میرزا - چون دفتاوات بود می بخشمت ولی اگر تکرار کنی گاری میکنم که گیتن را جیحون کنی منتھی نه از اشک چشمت ...

■ - د نادرالوجود الشعراى کلات و نه اسمش شبیه اسم آدمیزا است و نه شعرش شبیه شعر ایها الناس مرا مادر زنی است شصت ساله پیر که ندرش بیاشد (!) بمانند شهر ! ندانم کجا من فرار کنی از دست او باور کنی که همیشه بیاشد (!) یک چوب درخت او سید میرزا - قریون دستش ، مگر همان چوبش بالای سرت بیاشد (!) تا دیگر از این چرندیات نکونی . ■ - منکه بالاخره نفهمیدم مقصود اشرف مراد خانمی ، از سر هم کردن کلمات زیر ، سرودن تصنیف بوده یا گذشتن شعر نو ، یا هیچکدام ، باهر دو شما بخوانید شاید بفهمید :

مجلس مجلس	مجلس سرور
جای خنده و شادی	مجلس پر غرور
در تو وقتی هستم	رامنی که خوشحالم
آری خود را با تو	خوشحال می بینم

سید میرزا - منم خود را با تو خوشحال می بینم بشرطی که برایم شعر بنخوانی

■ - «علی صامت» این دفته رفته نوکوک چراغهای راهنمایی سر چهار راهها و نوشته اگر این چراغها زبان داشتند اینطور با اتومبیلها صحبت میکردند :

چراغ سبز : یا الله برو - یا الله برو
چراغ زرد : آهسته برو - آهسته برو
چراغ قرمز : اگر مردی برو - اگر مردی برو
سید میرزا - اگر مردی بیا - اگر مردی بیا (البته پیش مخاس تا بخت حالی کنم)

■ - ناپته تر از شمراى سید. کارتونیستهای آن میباشند و ناپته تر از همه کارتونیست های سیدم د س - اسدی ، از اردبیل است که نمونه ای از کارهایش را در زیر مشاهده میفرمایید :



سید میرزا - بعد از این آدم سرکش ، به يك آدم دگوش کشه هم احتیاج داریم ... البته برای اینکه کشته کارتونیستها را بکشد ...

متخصص آب و برق

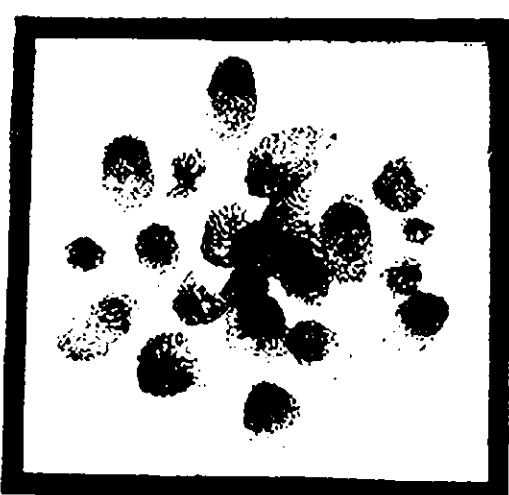
وزیر آب و برق گفته : اگر خانمی متخصص آب و برق باشد ، بدرد وزارتخانه ما می خورد .

وزیر آب و برق باید بداند که در بین خانم ها ، متخصص برق اهدا پیدا نمی شود ... ولی متخصص آب و رتکه و «زرق و برق» تا دادان بخواهد در بین خانمهای این دوره و زمانه وجود دارد !



د شمیران با بسم الله باید ره تلفن گرفت. اطلاعات - این تلفنها با « بسم الله » راه نمیفته ، « فاتحه » باید وادش خوند!

يك عكس هستند



... عكس فوق باو-بالا عكاس بسیار دقیق عكاسی توفیق از دامن يك خانم مینویژد پوش ، که برای يك لحظه از کوچی برلن عبور کرده گرفته شده است ا

چرا گنده گوئی

- حافظ حدیث سرو و گل ولای می رود ،
- خط صدوی سی و سه سوی ژاله می رود ،
- رضاشاهی ،
- آ آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست ،
- روی او خوبتر از صورت جینا اولوست ،
- (ا - محمودی ،
- منم که گوشه میخانه شاهنامه هست ،
- سواد و علم ندارم ، کاکا گواه هست ،
- باهمچون ،
- دهر روز مهر گردون ، افسانه است و افسون ،
- باید بخواب بیخی ، دیگر تو جنس ارزون ،
- شیخ ملت ،
- دهر سرمای مرا با تو هزاران کار است ،
- زندگی جان تو امروز بی دشوار است ،
- مهدی اسفندی ،
- دهرین چمن گل بیخار کس نهید آری ،
- سه سال رفت و فراهم شد مسرا کاری ،
- دهنله بیکار ،

گاو میری !

از روزی که بیماری طاعون بی گاوها شیوع پیدا ده ، تغییرات زیادی در زندگی مردم ایجاد شده . به ذکر چند نمونه از آنها می پردازیم :

□ در زندگی فقرا تغییر ریخ نداده ، برای یک آنها هیچوقت لب به گوشت نرده اند !

□ از ترس اینکه آبگوشت را ممکن است با وشت گاو درست کنند ، فردین مدتیست در قیامها زی نمی زند و این امر به فروش فیلم هایش لطمه بادی زده است !

□ گاو بازهای اسپانیا از شتل خود استفاده اند .

□ کتاب «طاعون» آلبر کامو فروش فوق العاده ای رده است !

□ عده ای از رجال «واکسن» زده اند !

.. وهزاران نکهه دیگر که خودتان هم می توانید دس بزنید .

د زرضت و



نخست وزیر فرانسه چر روز اول نخست وزیری غلظت بارش پاره شده اوس عباس - قربان اسسه اجازه بدین از این به بعد با به سوزان و تم دنا لیدن راه میفرم!

تا مردم باشند ، دیگه برق شبانه روزی نخواهند!

اهالی شهر و مرزخانه ، تا وقتی که برق غیر شبانه روزی داشتند قدورش را نمیدانستند ، هوس برق شبانه روزی و سرشان زده و دائماً به مقامات مربوطه اعتراض کردند . مقامات مربوطه هم برای آنکه جواب پافشاری مردم را به نفع احسن داده باشند ، با تقویت و تودر شهر مرزخانه را صاحب برقی شبانه روزی کردند ...

و حالاً برق این شهر جلور شبانه روزی خاموش است !
مرزخانه : افشار



اگر شما زایای داروی رایگان را که در درمانگاه دولتی به مرضی اسلام داده میشود نمیدانید ، لطفاً بشناسید زیرا که بر اساس رویه دمرکز بهداشت بندرعباس شده بدو بخوانید :

آقای دکتر بدون روپوش مخصوص ، با یک پیرهن بون یقه باز ایستاده نشسته و یکی یکی مریض هارامی پذیرد .
چنه مادر !

خودم چیزیم نیس ، اما بچم دلش درد میکنه .
بیا مادر ، به نسخه برات لو شتم ، به گره سفیده ، زی سه دقیقه تو آب حل میکنی میدی بخوره ، هشت تا هم سفیده ، روزی دو تا میخوره ، ارو سلامت !!
خدا عمرت بده آقای دکتر ، اصلاً این هفته دوا اهالی هادی به ۳۰۰۰ ریال بده ، از قرصهای همیشه خیلی بهتر بود .
متشکرم مادر نفر بعدی بیا ...

تو چنه !
آقای دکتر ، اعصابم ضعیف شده ، شبها خوابم نمیره ،
پا ندارم .

بیا بر جون ، به گرد سفیده ، روزی سه دفعه تو آب میکنی میخوری ، هشت تا هم قرص سفیده روزی دو تا وری ، برو سلامت !!

خدا! بچم عوض بده آقای دکتر ، اسم همیشه از این های این هفته ای به مریضها بدی تا آخر عمر ده سالگوند ، از دواهای همیشه خیلی بهتره .

ممنونم ، سلامت . نفر بعدی !
(بفرح فوق !)
نفر بعدی .

(بفرح ایضاً !)
دکتر تعجب میکند ، همه از دواهای این هفته تعریف تند در حالیکه او از همان قرصهای صد تا به غاز همیشه مریضها نوشته . برای روشن شدن موضوع ، پیش مسئول خانه میبرود و میپرسد :

فلانی ، همه میگن دواهای این هفته خیلی مؤثر تر بقی بود ، موضوع چه ؟
مسئول دواخانه منومنی میکند و میگوید :

راستش آقای دکتر ، به هفته سی که دواها منوم ، من هم برای اینکه مریضها دست خالی نزنن ، صبح های روز میتراشیدم و عوض قرص و گرد هست مریضها میدادم !

بندرعباس (خبر فرست : حسینی)



تلفنچی : نازلا تارنجی

الومرچز ، بوداد تیریز ، دی قارداش
بله چخ خیطه وضع سینما های
بلیط سینماش داده شماره
ولیکن کنترول اسلا نداده
آخه کیمیدی دینن مشول بو ایش
دل خون شداز این وضع قارداش میش
دن - قاراخو ،



الو مرکز ، کا کا اینجاست دهاوز ،
زدور میبوسمت ، میگیمت گاز ا
خیابانها لجنزوا است دائم
ولیکن شهرتاری گشته قایم ا
حساب این خیابونها بود پاک
که یا باشد لجن یا گردو یا خاک
درغ سیاه بر قس ،



الو مرکز ، بچمان مسدلی قر
دفاه مرکز ندیده رنگه دکتر
چنان بهتاری ما بی بخاره
که حتی قرص اسپیرین نداده ا
م - دهقان ،



الو ، ای شاکیان دور و نزدیک
مگه کفگیرتون خورده ته دیگه
نمیدونم چرا از غرب تا شرق
مگه دارین همه از خطی برق
میون این همه درد بی درمون
فقط هم میرین از گوشت و از خون
میدونین که ، توی این ملک ، مشکل
فراوله همیشه مشکل مشکل !
بقدری مشکل اینجا برقراره
که آدم واقعاً شاخ دمباره
فرستین بعداز این اخبار خوشگل
ر شهر خویش از انواع مشکلا

سرعت زیاد استقبال از هر کسی است !
لوله کشی آب آشامیدنی و خوانسار ، بیشتر از سه سال
است که معطل دوتا چاه به عمق چهل متر است ، هر چه
روز یکبار سه چهار نفر میآیند و تا کلنگه میزنند و تشریف
میبرند . بعبادت دیگر از آن موقع تا بحال برنامه سفارش
روزی سه سانت هم پیشرفت نکرده و مأمورین مربوطه نفاذ
داده اند که به قدر مورچه هم سرعت ندارند چون اگر
روز اول حفر چاه را بدهد مورچه ها گذاشته بودیم تا حالا
تمام شده بود !
(خوانسار : امیری)



د هویدادر بندرانکه برئیس انجمن شهر گفت :
اگر ساختمان میدان بلوار این شهر را پایان
فرسانی دیگر به بندر لنگه نخواهیم آمد ،
اهالی .. این تن بمیره تمومش نکن !

عوضیات !

معلوم نیست چرا هر کاری توی ولایت ما (جهرم)
مرض میکنم) صورت میگیرد ، عوضی از آب دو میساید
آخرین شاهکار عوضی که در جهرم پدید آمده پلی است که
بر روی رودخانه شهر ساخته اند و آب بجای زیر پل از
روی آن رد میشود !
بفرمائید مردم و وسائل نقلیه با این پل چکار کنند !
(جهرم : م - صحرالقاد)
کا کا - از زیر پل رد شوند ؟

يك پیام برای آقای انزلی از رضاییه :

برادر من ، از اینکه مردم دور يك خانم مینی ژوپی
حلقه زده اند و تماشايش کرده اند ، تعجب کرده ام و جریان
را با تنسیل برای ما نوشته ام ، اگر در تهران بودی و
روزی هزارتا از این مناظر را میدیدی که اهالی فقط به تماشا
اکتفا نمیکنند و از گوشه کنار ناخنک میزنند چکار میکنی ؟
راستی مگر جریان تو جعلی بادت رفته ؟!

بایاتی لار ! دووا به ارشانی

نار و اناسی ناریندی
منهم قلبیم یاریندی
هر نه پول وار ، ماشین وار
بونین ، یوقونلاریندی !
□ □ □
موی آلتیما قهریبیدی
شالواریمی قهریبیدی
ماشینین صندلی سی
لاپ آلبیدی قهریبیدی !



قدم بقدم با آپولو

وجب بوجب در ماه

دهن به دهن با مردم!

این سرودها گفته شد

در کپی کندی چه خبر بود ؟

تماس با مشاور فضایی
صدر اعظم عصائی

برای اینکه به اهمیت مسافرت آپولو ۱۱ به کره ماه پی ببرید کافی است بدانید که پنج ساعت به وقت پرواز مانده بلندگوی هوستون اعلام کرد که: - جای سوزن انداختن ، در پایگاه کپی کندی نیست !

نکنه جالب در مسافرت سفناورد آمریکائی این بود که هر وقت سفناوردان احساس خطری مینمودند یا از نظرفنی دچار غم و اشکال میشدند که حل آن توسط مهندسین و کارشناسان فضائی آمریکا دشوار بنظر میرسید مستقیماً با مشاور فضائی صدر اعظم عصائی تماس میگرفتند و مشاور مزبور بلافاصله آنها را راهنمایی میکرد و نقص موجود را با دستورات لازم برطرف می کرد !

و برای قانع شدن مردم بلندگو مجدداً اعلام کرد که هم اکنون جناب آقای اوس عباس که از ایران جهت بدقه آپولو ۱۱ تشریف آورده اند با هلیکوپتر، سوزلی از بالا میاندازند ؛ در این موقع جناب آقای اوس عباس با هلیکوپتر در آسمان کپی کندی ظاهر شد و دوعدد سوزن بخیه زنی از بالا بروی جمعیت انداخت که یکی از سوزنها توی چشم سالمه موشه دایان که بالا را تماشا میکرد افتاد و قضیه را ثابت کرد .

آپولو و آمیرزا

در د کپی مجلس ، گفته شد یکی از مهندسین فضائی ، بنام آمیرزا که از آپولو ۹ و آپولو ۱۰ اطلاع کافی دارد ، به سر مهندس پیاژی، گفته است که بنظر منم مشکل ترین کار پرواز سفینه آپولو، موضوع شمارش محکوس ، آنست چون از دیروز تا حالا من صد دفعه خواسته ام از شماره ۹ تا ۱۰ ، رایشمارد و نتوانسته ام .

سرودها در فضا

روز جمعه بیست و هشتم تیرماه از مرکز فضائی هوستون در کپی کندی به سفناوردان گفته شد که اگر ناراحتی بی چیزی دارند اطلاع دارند آلدرین در جواب گفت: ناراحتی مافقط سرودهای زیاد و مالاپ تولوپیی است که از نقطه نامعلوم بگوش ما میرسد و نمیکذارم بخوابیم. پس از تحقیق کافی که در مرکز هوستون بعمل آمد معلوم شد که همه این سرودها از بوق ماشینها و ترمز موتورها و دوچرخه ها و ترمز گوش خراش اتوبوس های شرکت ناسا است که از خیابانهای تهران بگوش سفناوردان میرسیده و آنها را آزار میداده . خوشبختانه روز ۲۹ تیر که آپولو به مدار ماه رسید ، آندکی ، از

نقش هواشناسی ایران

طبق گزارش محافل فضائی آمریکا تبیین دوز پرواز آپولو توسط هواشناسی ایران انجام گرفته است . باین معنی که فن برادران مودرموشک های آمریکائی مرتباً با هواشناسی ایران در تماس بوده و از آنها وضع هوا را میپرسیده و وقتی پاسخ شنیده که روز ۲۵ تیر ماه هوا ابری و طوفانی است همین روز را با خیال راحت برای پرواز تبیین کرده است چون میدانستند که در آن روز حتی نسیم کوچکی هم نخواهد وزید. (محل مولا)



همزمان با فرود آرام مدول ماه نهمین بر سطح کره ماه ، در یکی از محلات تهران هم لنگه کتبی بر سطح کره سر یک آدم مناهل که چهار و روغن نباتی زومگی شده بود فرود آمد ! در این هکس، همان بابا، یک چشم دیگر هم قرض کرد، و ساعتی مشغول بر انداختن کردن (مدول کله نشین) است .

سیزده ماه!

وکلاهی مجلس بخصوص اوس عباس . آمیرزا و بادمجون پیش از همه از لخبیر ماه توسط بشر خوشحال هستند . عقیده دارند با این ترتیب زمین صاحب سیزده ماه ، امی شود و ما می توانیم سالی سیزده ماه ، حقوق بگیریم !

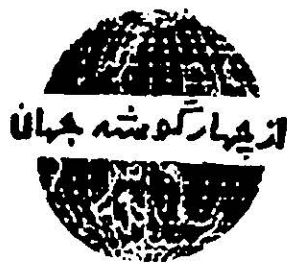
همچنین بدنیال پرفسور بارفاره که اعلام کرده بود آماده است به ماه برود ، پرفسور بسادمجون نیز اعلام داشت آماده است به کره ماه برود، البته مشروط بر اینکه اول ماه باشد و آنجا حقوق بدهند !

فرود آپولو

بطوریکه کم و بیش اطلاع دارید آپولوهای آمریکا هنگام بازگشت در اقیانوس ها فرود می آیند و بعد به کک ناوگان های جنگی آنها از آب بیرون می کشند . روی همین اصل شهرتار تهران به سازمان فضائی آمریکا پیشنهاد کرده است که برنامه پرواز آپولوی ۱۲ را به فصل زمستان موکول کنند تا سفینه فضائی آمریکا هنگام بازگشت بجای اقیانوس در یکی از جاله چوله های خیابان های تهران که پر از آب است فرود آید !

استفاده از کلمات در کره ماه

چون احتمال میرفت کتبی سفناوردان در کره ماه در اثر برخورد با سنگها سوراخ شود و کار دست آنها بدهد. قبل از حرکت ، تخت کتبی آنها را با کتلهای مهمانخانه های درجه ۱ تهران درست کرده اند که هیچ نوع آهن و سنگه پان کارگر نیست.



در انگلستان : بعضی انصار خبر پیساده شدن انسان در کره ماه ، دولت انگلستان تنگرائی از آمرستراک خواش کرد که اگر چاه نفتی در ماه گیر آورده ، فوراً همه امپراطوری نفیجه اطلاع دهد !

در اسرائیل : بشکرا ان پیاده شدن انسان در خاک ماه ، دولت اسرائیل تصمیم گرفت مقدار دیگری از خاک اردن را ضمیمه خاک خود نماید !

در فرانسه : ناقوس های کلیسای لوتردام بصددا در آمد و عده ای از فرانسوی ها در کنار رود سن به خوردن شاه پانی پرداختند !

در ویتنام : بیت کنگ هوا بشکرا ان این موفقیت بزرگ ۷۵ شهر و پایگاه مهم را به چهاره و محلول بستند . و سر بازار آمریکائی مبلغ ویتنام هم ۲۱ تیر توپ به طر بیت کنگها شلیک کردند !



در روز پرواز آپولو این خانم که یکی از تماشاچیان پرواز آپولو بود ، به عنوان خوشحالی ، هم دهانش را باز می کرد و می خندید تا دندانهای طلاش را به مردم نشان دهد !

کره ماه!

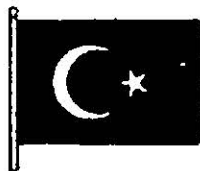
در آخرین اجزائی که روزنامه زیر چاپ بود اطلاع حاصل شد که «بادمجون» پیامی تهیه کرده که به کره ماه بفرستند. ولی این پیام بدست فضا نوردان نرسیده زیرا نامبرده آنرا با پست زمینی به کبک کندی فرستاده است! بهر حال متن پیام مزبور و برای اولین بار در تاریخ «! وسیله روزنامه» توفیق منتشر میشود:

«جناب مستطاب کره ماه»

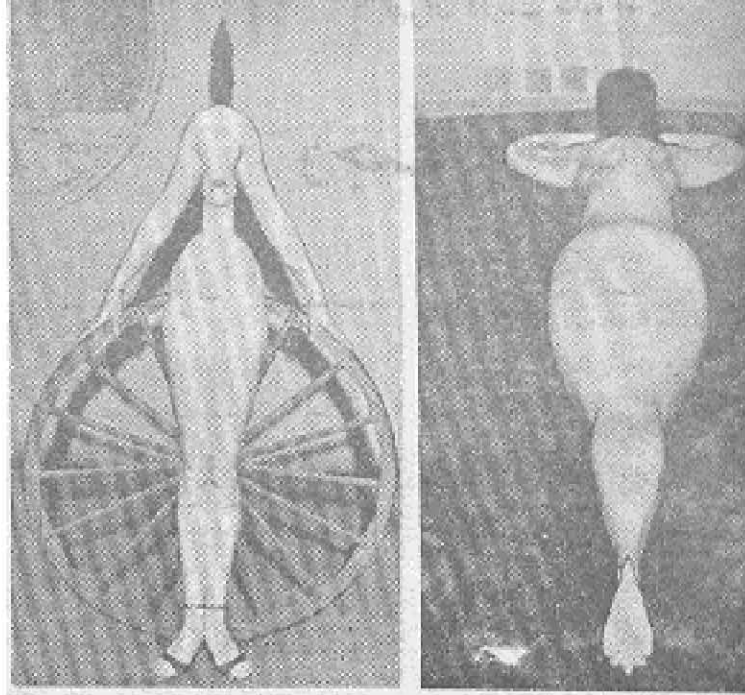
● قربان روی ماهت بروم! این دستخط که بوسیله شوهرهای آراج و آپولون! بحضورت هرفیاب میشود توسط اینجناب که عبارتم از: «بادمجون» جانشین رفسنجون - در مملکت مهر و صفا ایرونه فرستاده شده. باری، غرض از مزاحمت این بود که اگر مجلس شورایی کره ماه احتیاجی با استخدام وکیل مجلس! داعیه باشد اینجناب در خدمتگزاری حاضرم و تعهد میسپارم که در جلسات عالی و قبل از دستور! چنانسان قایم «صحیح است احسن» بگویم که صدای آن بگوش مهندس پیازی شما که سهل است بگوش مهندس پوازی خودمان هم برسد... گذشته از آن شما خوب میدانید که من پراثرترین و مصادرت زیاد این دو کلمه را از «مخرج صحیح» آدا میکنم!

البته فناوری در حال حاضر ماهی شهوار چون حقوق میگیرم ولی چون همکلاسی عزیزم «آمبرز» چندشب پیش خواب دیده که حقوقی وکلای کره ماه ماهیانه شش من اسکناس سنگی کبری است! لذا خواهشمند است اظهار لطف فرموده نسبت با استخدام بنده اقدام فرمائید تا یک عمر «عاشقوی» «کره» مبارک باشم. و گام لوابیح تا ترا بر اینان تصویب کنم! در ضمن بنده قولی شرافتانه میدهم اگر مرا بمنوان نمایند: رفسنجون کره ماه! انتخاب کنید، هزماه نصف حقوقم را بطوریکه سایر وکلا تفهمنند دودستی تقدیم حضور انور عالی کنم! منتظر «آب فوری» جانم لدا بیست، باقی بقیایت، هستم چشم پراحت: «با دم جان!»

مالکیت ماه



امروز صبح دولت ترکیه طی یادداشت شدیدی که به سازمان ملل تسلیم کرده اعلام داشت که کره ماه نه مال روسهاست و نه مال آمریکاییها بلکه به دولت ترکیه تعلق دارد و ولایتش هم اینست که از چند سال پیش عکس ماه را روی پرچم خودمان کشیده ایم!



عکس دو تن از ساکنان کره ماه که برای اولین بار در «توفیق» چاپ میشود.

این عکس یکی از هنرهای «ماه» دیده میشود. بودات کره ماه با موجودات زمینی خیلی فرق دارند. اگر یک کاغذ سفید توسط عکس آنها (پلور عمودی) بگذارید، چیزهای بهتری دستگیرتان میشود!

«سرد» یا «داغ»؟

باسفر «آپولو-۱۱» این سؤال پیش آمد که کره ماه سرد است یا «داغ». این موضوع باعث شده که کارشناسان فضائی نظرات مختلفی برآز کنند. اما ماه شناس توفیق اظهار داشت که بنظر او ماه سرد است و نه داغ... بلکه «ولرم» است، چون تا بحال «ماه» هائی را که ما دیده ایم حرارتی در حدود ۳۷ درجه داشته اند!



↑ قایق ماه نشین ↓

بند پهلوی - خیرگزاری رشت اطلاع میدهد که دیروز در پلاز بند پهلوی هنگامیکه یک دختر خوشگل مثل ماه، در یک قایق نشسته و در روی آب دریا گردش میکرد توجه مردم را به خود جلب نمود. کسانیکه ناظر جریان بودند می گفتند: واقعاً اگر قایق ماه نشین، صحت داشته باشد، همین است که می بینیم!

از مسافرت اسان به کره ماه را در روزنامه توفیق میخوانید. چون خبرنگار مادر تمام مراحل چهارچشمی! مواظب اوضاع بود و هیچ تکیه ای از نظر او مخفی نماند!

شعر فی الب

در آخرین لحظه پرواز شری را که مطابق معمول خودت بدقت توفیق آوردند!

این شعر چگون و افسانه اشکالاتی داشت اغماص می فرمای!

دسته

از: جهان لیریز از فریاد و بانگ است نصایم لجه ام را از منی وار بود همچون هونگی ماه سپمن فضا پیمای آمریکا به جرت جناب حضرت «برنارد لاول» زود «لونا» اثر از جانب روس میان این دو کالینزه و آ...

(۱) - البته منظور استاد



هنر از روزنامه کیهان در شب پرواز آپولون نصف سفته اول آنرا اشغال کرد!

نه

شماره

در آخرین لحظه ای که روز رسید که شمارش اسکناسهای حلقه موشک ساتورد ۵ در هفتاد پیش آغاز

پیام «بادمجون» به کره‌ما!

در آخرین خطاتی که روزنامه زیر چاپ بود اطلاع حاصل شد که «بادمجون» پیامی تهیه کرده که به کوره ماه می‌رسد. ولی این پیام بدست فضا نوردان نرسیده زیرا فرمانبرداره آنرا با پست زمینی به کبک کندی فرستاده است! بهر حال این پیام مزبور در برای اولین بار در تاریخ ۱۱ وسیله روزنامه «توفیق» منتشر می‌شود:

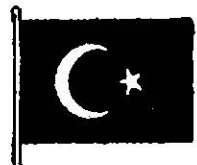
«جناب مستطاب کره ماه»

● قربان روی ماهت بروم! این سخط که بوسیله شوهرهای سراج آپولون! بحضورت هرفیاب میشود وسط اینجانب که عبارت از «بادمجون» عالمین رفیعون - در مملکت مهر و صفا بیرون فرستاده شده باری غرض از زحمت این بود که اگر مجلس شورایی زماهه احتیاجی با استخدام وکیل مجلس! ایضا باشد اینجانب در خدمتگزاری باحرم و تمهد میبارم که در جلسات علمی و قبل از دستور! چنان قایم صحیح است احسن! بگویم که صدای نگوشت مهندس پیازی شما که سهل است گوش مهندس ریازی خودمان هم برسد... دغدغه از آن شما خوب میدانید که من اثرترین و ممارست زیاد این دو کلمه از «مخرج صحیح» آدا میکنم!

البته لیدی در حال حاضر ماهی هزار حوق حطوق میگیرم ولی چون مکلاسی عزیزم «آمبرزا» چندشب پیش واپ دیده که حقوق وکلای کره ماه همانه شش من اسکناس بستک تبریز است! لذا خواهشمند است اظهار لطف نموده نسبت با استخدام بنده اقدام فرمائید. بنگ عمر دعاگوی «کره» مبارک باشم. تمام نواایع تا فرا بر اینان تصویب کنیم! در ضمن بنده قولی شرافتانه میدهم که او را بعنوان نماینده رفیقان کره ماه انتخاب کنید هرماه نصف حطوقم بطوریکه سایر وکلا تفهمند دوستی داریم حضور انور عالی کنیم!

منتظر جواب فوری. جانم فدایت! بی بقایت، همنم چشم بر اهدایت: «بادمجون»

تالکیت ماه



کاملترین و دقیقترین رپورتاژ از مسافرت انسان به کره ماه را در روزنامه «توفیق» میخوانند. چون خبرنگار ما در تمام مراحل «چهارچشمی» مواظب اوضاع بود و هیچ نکته ای از نظر او مخفی نماند!

شعر فی البداهه استاد صهبا!

در آخرین لحظه پرواز آپولوزی ۱۱ «استاد ابراهیم صهبا» قطعه شعری را که مطابق معمول خودشان «فی البداهه» سروده بودند هرق ریزان بدقتر توفیق آوردند!

این شعر چون واقعا فی البداهه سروده شده اگر از نظر شعری اشکالاتی داشت اغماض می‌فرمائید.

دسته هوونگ ماه!

از: استاد ابراهیم صهبا

جهان تبریز از فریاد و بانگ است
نصایم لهجه ام را ارضی وار
بود همچون هوونگی ماه سیمین
فضا پیمای آمریکا به جرئت
جناب حضرت «برنارد لاول»
زود «لونا» اگر از جانب روس

میان این زمین ماه گردون
دکالیزه و دالدریزه آرستراتک است

(۱) - البته منظور استاد صدخانه معروف «چودرل بنک» انگلیس است

روحیه قوی

مناور فضایی در تمام مملکت اختصاصی در باره وضع خبر نگار ماست: بدون شک به نظر خیلی قوی است. هم پارسیده: کدام سه نفر! مثال صفت: بادمجون و اوس عبا چون بالبنکه آخر برج است روحیه خود را نباشته اند!

رادیو و اخبار

گزارش‌های رسیده تحقیقات فضایی آمریکا حاکیست که فضا نوردان رادیو ترانزیستوری نیز دارند و بوسیله آن رادیو رادیو ایران از آخرین خبر به آپولوزی ۱۱ مطلع می‌شود.

تنها کسی که کار خبر نداشت خواه چه بی برد و بلافاصله اطلاع داد که بت درین زمانه رفیقی که

را اصلاح کنیم و در این زمانه رفیقی که

مقامات فضایی

آمریکا، در ساعت ۲ بعد از نصف شب، فضا نوردان را از خواب بیدار کردند تا خبر وضع حمل خانم مهستی، خواننده رادیول را به آنها بدهند!



فردا از روزنامه کیهان در شب پرواز آپولوزی ۱۱ که با نداشت نصف صبحه اول آنرا آشفند کرده بود!



شمارش مستقیم!

در آخرین لحظه ای که روزنامه زهرچاپ میرفت از صندوق مجلس خبر رسید که شمارش اسکناس‌های حقوقی آموزا که هم زمان با شمارش منکوس

امروز صبح دولت ترکیه علی دولت خریدی که به سالمان ملل تسلیم اعلام داشت که کره ماه نه مال سواست و نه مال آمریکایی ها بلکه دولت ترکیه تعلق دارد و ویش هم

در روز چهارشنبه ۱۱ آپولوزی ۱۱ به هیجان آمدند دندانهای غاربه ای را

روحیه قوی

مشاور فضائی بدر اعظم طیبه که گفتگوی اختصاصی در باره وضع آپولو به خبرنگار ماسفت: بدون شك روحیه این سه نفر خیلی قوی است. خبرنگار ماسفت پرسید: کدام سه نفر مشاور صدر اعظم ماسفت: بادمجون و اوس عباس و آمرزاد، چون با اینکه آخر برج است معهذ آنها روحیه خود را نباخته اند!

رادیو و اخبار

گزارش‌های رسیده از مرکز تحقیقات فضائی آمریکا در «هوستون» حاکیست که فضانوردان هر يك يك رادیو ترانزیستوری نیز همراه خود دارند و بوسیله آن رادیوها با گرفتن رادیوایران از آخرین خبرهای مربوط به آپولو-۱۱ مطلع می‌شوند!

عکس: از میدان بهارستان تهران در روز پرتاب موشک ساترن ۵، در تهران نیز جنب و جوش شدیدی پیش می‌خورد!

توضیح و اوضاع

— با باجون، مدول ماه نشین چی چه؟
— همونه که از سفینه مادر جدا میشه.

صهبا!

استاد ابراهیم صهبا، قطعه «سروده» بودند عرفی ریزان

شده اگر از نظر شمری

موشك قوی مانند لانتک است!

چونکه اینجا خیلی دتانتک است و یازده دسته هارانتک است! ماه چون شیر و پالانتک است! جودرل (ا) در توی پانتک است! زجافانتک اندر جافانتک است! گردون

تک است

جودرل بتک انگلیس است

تصحیح غزل حافظ!

تنها کسی که کار و چهارشنبه گلشنه از موضوع پرواز سفینه آپولو خبر نداشت خواهی حافظ شیرازی بود که او هم در لحظات آخر به قضیه پی برید و بلافاصله بسبب «استاد رعدی آذرخشی» تلفنی از شیراز به اطلاع داد که بیت:
درین زمانه رفیقی که خالی از خلل است
صراحی می‌تاب و سفینه غزل است
را اصلاح کنیم و بجایش بنویسیم:
در این زمانه رفیقی که روی ماه ولوست
صراحی می‌تاب و سفینه آپولوست!

نظر مردم

درباره

نامگذاری دریای آرام

چون همه ای از صاحب نظران نظر داده اند که «دریای آرام» برای آن قسمت از ماه که فضا نوردان پیاده شده‌اند، اسم مناسبی نیست لذا چند نفر از اشخاص معروف که صلاحیت اینکار را دارند اسمهای تازه ای پیشنهاد کرده اند که یکی از آنها قرار است بحکم قرعه انتخاب شود:

- جانسون : دریای پسم
- موشه هایان : دریای رولا
- شرکت لاند : دریای صف
- کارمندان دولت : دریای قرض
- دکتر بارنارد : دریای قلب
- اداره چراغ موشی : دریای خاموش
- وکلاي دعا و ثنا : دریای خواب
- هیپلمه ها : دریای گاز
- مسافرین اتوبوس : دریای انتظار
- صدر اعظم : دریای همیشه
- کاکا توله : دریای چشم

در روز چهارشنبه گلشنه این

آقا هم بطوری از خبر پرواز آپولو ۱۱ به هیجان آمده بود که هلندهای عاریسه اش را یکجا قورت داد!

مقامات فضائی

آمریکا، در ساعت ۲ بعد از نصف شب، فضا نوردان را از خواب بیدار کردند تا خبر وضع حمل خانم مهستی، خواننده رادیول را به آنها بدهند!

ت از صندوق مجلس خبرگان با شمارش معکوس شده و هنوز ادامه دارد...

تسخیر ماه و مشکلات ما در روی زمین

تسخیر ماه و مشکلات ما در روی زمین

فائل جابر نیمی در باره مشکل دول الیه و کوش تا کسی اظهار نظر میکنند

۲۰۰ نفر از معسورین عربی با بستنی سموم شدند مبارزه با کلومبری

در سر راه کشور گسترش یافت لکن خاصه معسورین به یک بیمار بیوند زدند

۷ هزار لاشه کویشتند توزیع شد



همزمان با پرواز سفینه فضائی آمریکا، سفینه غذائی ایران هم از پایگاه کپ بهارستان بطرف کره شکم «امیرزا» پرتاب شد. سرنشینان سفینه مزبور عبارتند از:

بوللمون - جوچه کباب - شهشهک - بستنی - خامه - کمپوت آناناس - میوه‌جات و چیزهایی از این قبیل!

بطوریکه از رسدخانه شور با اطلاع می‌دهند، سفینه غذائی ایران در انجام مأموریت خود از سفینه فضائی آمریکا موفق تر بوده است!

بهر آمادگی خود را اعلام
اشتند که در پرواز بعدی آپولو
که کرماه پروندو با چرخ دستی
میای بیشتر از فضاوردان ،
تاکماه را به زمین بیاورد

موجود زنده

«خوس خوسانی» پیام
زمانه ای برای فضاوردان
ستاده و در آن خواهش کرده
ست که اگر فضاوردان، احیاً با
ک موجود زنده در ماه دیدند،
ت بسته به زمین بیاورند تا
بوس خوسانی او را به عضویت
زب «اینارو ببین» در آوردا
گفته میشود اگر خوس خوسانی
فضاوردان در این مأموریت
باص خود موفقیت حاصل کنند
عضای حزب «اینارو ببین»
دو برابر خواهد شد!



در نامه پرواز آپولو-۱۱ از اغلب فرستنده های تلویزیونی جهان پخش میشود.
برزق به زنتی - این برنامه موزخه ، جای دیگر و بگیر ا

کشفیات مشاور فضائی صدراعظم

نماینده ایران در امریکاکه مانند هزاران نفر مردم سراسر دنیا،
هنگام پرواز آپولو ۱۱، در کیپ کندی حضور داشت طی یک مساحه
مطبوعاتی بخبر نگاران داخلی و خارجی حاضر در کیپ کندی اظهار داشت:
«قسمت اعظمی از موفقیت های آپولو ۱۱، مدیون اطلاعاتی است که
مشاور فضائی صدراعظم عصائی ما در اختیار فضاوردان و مودکماران
گذاشته است»

نامبرده ضمن تشریح جزئیات نمودیهای مامانی کهکشانی مشاور
فضائی صدراعظم عصائی گفت:

سده کرماه مثل اغلب نقاط مملکت ما آب وجود ندارد و چنانچه
کسی قصد انجام فریضه دینی را داشته باشد باید به «توم» متوسل شود
و اگر گفته شود میبایست دستور «مولانا» را بکار بندد که می گوید:
آب کم جو ، تشنگی آور بندست تا بجوشد آبت از بالا و پست،
نامبرده سپس اضافه کرد:

«مهندسی آبکی اسلامان آب ما در صورت ضرورت آماده اند که
با بهترین طریق و نقشهای دقیق در حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق ،
در سطح کرماه ، به کارشناسان فضائی کمک کنند!

ایشان همچنین اظهار داشتند:
«چون سطح کرماه ، غیر قابل سکونت تشخیص داده شده و در آن
دنه آبت و نه آبادانی ، «مسلمانان مسلمانی» ما حاضریم با وجود وجود
و فوت و فرهای سبک جدید، گروه کثیری از مردم کلیه نقاط جهان را
تفویق و تحریک به مهاجرت و سکونت در کرماه کنیم و بموافقات آن
با اعزام کارشناسان آبادانی و «مکن» و نیز «آب و برق»، ظرف مدت
کوتاهی چنانچه کرماه را غرق عمران و آبادانی کنیم که به کرماه زمین
بگوید: «تو دنیا ، که من میخوام درآم»

نامق سپس سرعت دیوانوار (آپولو ۱۱) را با قوس صعودی قیمت ها
در ایران متایسه کرد و ثابت نمود که:

«از لحاظ دستیابی به کهکشانها نیز مملکت ما بر سایر ممالک، حق
تقدم دارد زیرا سابقه است که ما یک سفینه ناهرکی را که همان «گرقی قیمتها»
باشد بسوی کهکشانها فرستاده ولی بر اثر پاره های اشکالات فنی! هنوز که
هلهله است موفق به بازگردانیدن آن نشده ایم!»

نامبرده در پایان مساحه مطبوعاتی خود اضافه کرد:

«مشاور فضائی صدراعظم عصائی با «تجیم» و «ترسید» و یکمک رمل
و اسطرلاب ، باین نتیجه رسیده است که سفر سرفشیمان (آپولو ۱۱) به
از دو حال خارج نیست یعنی اینکه فضاوردان در زمینه پیاده شدن و
خاکبرداری و بازگشت از ماه ، یا موفق میشوند یا اینکه با عدم موفقیت
مواجه خواهند شد»

البته حسن این کشفیات در اینجاست که نرساعت قبل از پرواز آپولو
منتشر شده است!



«غذای فضاوردان در فضا گوشت
گوساله - سوپ جوجه - کیک
میوه ای - آب پرتقال - کلابی -
شیرینی میوه - قهوه - آب
انگور و آب نارنج است.»

اضرفی با اکیرک - ۱۴ به منم
از این غذاها میدادند عوض کرماه
ماه مرفتم کرماه مریخ!

«خبر مهم از نظر مردم!
یکهفته به پرواز آپولو -
۱۱ مانده ، تراز «کوهان» و
«اطلاعات» بطور ناگهانی بالا
رفت و مردم با اشتیاق فراوان
انتظار این دو روزنامه را
می بینند... البته اخباری را
که مربوط به همای «دانه» و
«دوگوشه» بود!

در باره تسخیر «کرماه»
یک قصاب : مسافرت به کرماه
یک کار مهم و مشکله ، ولی حل مشکل
گوشت از فرار از اون مشکله تره .
یک دانشجو : دلم میخواد پدرش
د ماه شناسی ، هم به سایر رشته های
دانشگاه اضافه بشه تا افلا پست کنکور
مانده هابتون در ایر رشته ادامه تحصیل
بدن!

یک پیرزن : خداکنه خاک ماه ،
یک نوع اکسیر باشه که بتونه پیرهارو
چون کنه!
یک شاعر :
میان د شعر نو ، تا د شعر خواجو ،
تفاوت از دلونا بی ، تا د آپولو
یک دیوانه : اگه تسخیر کرماه
بتونه د سنج داغی ، در دنیا برقرار
کنه ، من حاضرم مقابل بشم!
یک پارکبی اتوبوس : اگ کرماه
ماه رو هم بره ساری شرکت ما بدن ،
پازم دو قورت و نیم شون باقیه!
یک زن : سفر کردن به «ماه» خیلی
شیرینه ولی جای ماه عمل بیرونیمگیره!
یک میوه فروش : خطرات احتمالی
مسافرت به ماه به لذتس میارزه . واس
اینکه : د کسی که خر بزه میخوره پای
لرزش هم می شینه!



فضاوردان در مراجعت از ماه تایکماه
حج ملاقات با زنان خود را ندارند .
- فلان فلان شده منگه تو هم از
کرماه بر گشتی لاد.

دومین شماره مخصوص
توفیق
بچه عکها و مطالب و
کارتونهای ما را در باره «تفتح
کرماه» ، در دومین شماره
مخصوص «ماه» توفیق که هفته
آینده نیز با چهار صفحه اضافه
به قیمت همان ۱۰ ریال منتشر
میشود ملاحظه فرمائید .



شوهر

نمی دانم خانم های شوهر دار دیگر
چرا مینویسند که می پوشند ، آنها که شوهر
گیر آورده اند ؟

با حجاب

مضحک ترین کار اینست که عده ای از
فانام ها برای اینکه کوتاهی مینی ژوپشان
حلقوم نشود چهار سر می کنند !
دریش - بابا

وفا

اگر در سپاهی شب ، در عقب
قیانوس اطلس یک سنگریزه را که پنجاه
سال پیش افتاده باشد پیدا کرده ای ،
می توانی در دل زن نیز یک کوزه و یا
پیدا کنی !

زن و جواهر

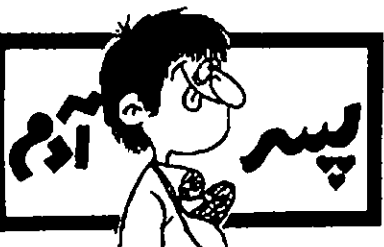
هوقی که در خیابان بازن و بجه
نود قدم می زنی مواظب باشی بجهها
ا جلوی مناره اسباب بازی فروشی و
فانام را جلوی مناره جواهر فروشی
بریدی که تا شما را به خرج نیندازد و
تن معامله نیستند !
سهل مولا

بیات شمرون !

«دختر اخلو»

عشق قصاب

بیا یکدم در آشوبم ، تو ای دلدار « پرواز » م
که در عالم تو از « پست مازو » دوست تر دارم
مرا برد چنگک ، عنقت ، چوره لاشه ، کردی آویزان
به من بی اعتناهی ، منگ من « گوشت بلغار » م
زهر جالی که میخواهی ، بگو واسات « ببرم » من
بخور این « مغزرون » رو ، کیف کنی ای نازنین « برم
تاهی بهم تورو ، من جای « فیله » ، « دنده » ، « میبرم
میخواه گر مشتری راسته ، واسات « سرسینه » میدازم
« دلم » ، را توی « چرخ » شم « نداشتی از جفا ، اما
به من تا میرسی میگی ، به عشق تو وفا دارم
نمیدم من به تو هیچوقت ، جیگر « گوشت اورو موله »
اگر چه پر شده از آن ، توی « پستو » و « انارم
تو هر چی که دات میخواه بده ، و رنگه زن چونه
تو خوش دستی ، بده دشتو ، که باشد رونق کارم



حال بیرون رفتن

مردها آنها موقعی حال بیرون رفتن
از خانه و چشم چرانی را ندارند که
دوقران پول بلیت اتوبوس در جیب خود
نداشته باشند !

دلیل

بعضی ها با سماجت از آقا پسرهایی
که موهای خود را اصلاح نمی کنند
می پرسند : بچه دلیل سرتان را اصلاح
نمی کنید ؟
... آنها دلیلی ندارند ، جز اینکه
میخواهند پول سدانی را پس انداز
کنند و با آن آب ، هویج بخورند !
«دوشیزه لندی»

جوانان حرف شنو

من با کسانی که میگویند جوانان
امروز حرف شنو نیستند ، مخالفم زیرا
جوانان امروز حرف همه را میشوند
جز سه نفر و آن سه نفر عبارتند از
پدر ، مادر و معلم مدرسه !

گم اشتها

خدا رحم کرده که مینی ژوپ در
هصر دوغ نجاتی مد شده ، والا این
مردهایی که من می بینم چشم زنها را وسط
خیابان در می آورند !
«خانم زانی»

تهران

فروش آموذید
ورود کارزار ما سال منوع

«زنها در تهران روز بروز لخت تر میشوند»
بدون شرح !

کی چی؟

کی کدم کتاب رو میخونه ؟

- آدم فقیر : «سلام برغم» !
- کارمند اداره : «خرمگس» !
- سیور : «خاک خوب» ؟
- کی کدم فیلم رو می بیند ؟
- ساعت ساز : « ساعت ۱۰۳۰ تا پستان» !
- مرئی استخر : «شناگر» !
- همدا : «آخرین سکه» !
- رجل : «خوش غیرت» !
- «ع - سادانی»
- کی : چی رو غافلگیر میکنه ؟
- زمستان : «شهر تار» را
- اسرائیل : «دعاب» را
- خانم : «آقا گلنت» را !!

«مرد»

«خیار چمبر»

تا تو بگی «ف» ...

- تا تو بگو «پ» ، من می فهمم میخوای بگی «پپ» ! «صدر اعظم»
- تا تو بگی «ن» ، من می فهمم میخوای بگی «نفت» ! «جسول»
- تا تو بگی «م» ، من می فهمم میخوای بگی «مسافرت» «دکتر خوش ایال»
- تا تو بگی «س» ، من می فهمم میخوای بگی «سوء استفاده» ! «دهان بینی»
- تا تو بگی «ش» ، من می فهمم میخوای بگی «شیش هزار تومان» ! «امیرا»
- تا تو بگی «ج» ، من می فهمم میخوای بگی «چنگ» «عوسام»

کارشناسان

- بنده حاضر از هر باتکی که شما بگوئید صد هزار تومان پول بگیرم ، مشروط بر اینکه متصدی بانک بدهد !
- جوانکی را می شناسم که قادر است آب یک استخر را بخورد ، مشروط بر اینکه توی استخر مربوطه بیش از یک لیوان آب نباشد !
- بنده حاضر چند اتوبوس دو طبقه شرکت زاندر را بگذا بلند کنم ، مشروط بر اینکه سوء استفاده چی های سابق طرر بلند کردن را به بنده یاد بدهند !

«برسم چقدر»

الطرق فلاح و الرستگاری !

بر در سف اتوبوس
نایت از قلت فلوس
بودن نان پر از سیوس
□ □ □
اون کردن به ظلمات
گردن نهادن به هر نوع مالیات
وری جستن از میوه جات
□ □ □
پیام گرفتن و بیکاری
داختن صد جور عوارض به شهرتاری
مفاده از سه چرخه و گاری
□ □ □
نر به خانه بدوشی
لشای خنک و خالی دکان گوشت
روش
کالاه با تاغ های موم می بی کوشی
«ضد ضرب»

مَوْزَن شَمَا چُو میدهیم



و هبل خیرت خود را بر وی ما پیوسته
و هبلون خود را چو پیکر د...

دو سندان خوریت

ر طویلله مر کزی حزب خران
عرعر... (چند تا جفنگ ۱)
اینجانب خری هستم که دانشجوی
کی از دانشکده‌های دانشگاه تهران
باشم. سال قبل ازمین شهریه‌ای مطالبه
کردند ولی من با کمال خیریت شهریه
ا پرداختم و رسیدنم را به دانشکده دادم.
بالا که میخواهم پولم را پس بگیرم،
بدهند. آیا این خیریت نیست؟
در ضمن اثر سم خود را در زیر
مه گذاشتم تا خیریت من کاملا بر
ما ثابت گردد.

سر طویلله حزب خران
بانه دیم احترام و ادای هر عرب حضور
کایک خران حزبی عرض می شود که
بنجانب، ماچه خری هستم از اهوازه
جای سند خیریت، عکس خود را که
مغول شیر دادن به کره خرم میباشم،
ندیم می کنم امیدوارم بادی این عکس
قریت من بر شما ثابت شود.

با احترام
«...»



جواب: ماچه خیر محترم. عکس شما
ا چاپ کردیم سند شما هم مورد قبول
افتاد. ضمناً بعضی اطلاع عرض می شود
که خیر شما هم در صورت تمایل می تواند
عضویت حزب خران در کمیته کره خران
ر آید.

کره خر حرف نشنو

(در امین: خربندری)

سمت با کره خر، خری هشیار
همخن مگر شوی به آدمیان
کره خر گفت: مادرم ترسوت
سه قدم دور شد ز حزب خران
پشت یازد به گفنه مادر
ناگهان آدم از کمین برجست
کره خر پیش و خرفد از دنبال
کره خر را چو آدمی بر بود
مگر تضرع کنی، و مگر فریاد
آدم آن گره پس نخواهد داد

یادداشت‌های خرمی

آقای سلطانزاده، سلسله مقالاتی
به کمیته مرکزی حزب خران فرستاده
که بسیار جالب و محققانه نوشته شده
است. آقای سلطانزاده، طی نامه‌ای
چنین نوشته‌اند:
چندی قبل که به نامه‌ها و اسناد
بندر مرحوم برآوردیدگی می‌کردم،
یادداشت‌هایی را جمع به خرم بر خود کردم
و نمی‌دانم این نوشته‌ها مال خود پدرم
می‌باشد یا از جای دیگری نوشته شده
است در هر حال از آنجا که بنترم جالب
آمد، برای حزب خران می‌فرستم.

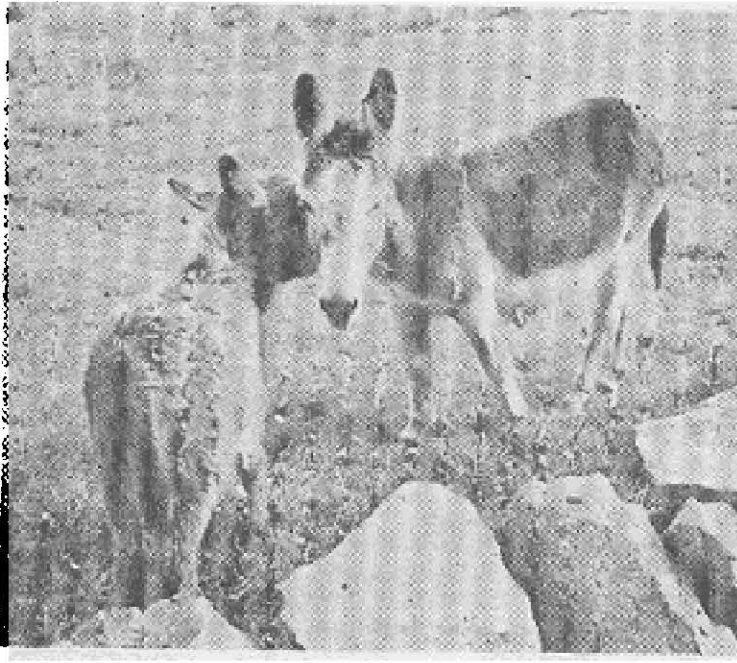
حزب خران ضمن تشکر فراوان
از این دوست عزیز، از این هفته با
اندکی هم کاری اقدام به درج قسمتی از
این مقالات تحقیقی آمیز می‌کنند مگر
می‌شود که مقالات مزبور در سال ۱۳۰۹
نوشته شده است:

خر موجودی شریف است

(در، از محترم‌ترین و بزرگترین
موجودات است. ما برای اثبات این مدعی
با اندازه و هوای تن خرم، الانصرالدین
دلول داریم و بمصدال منت نمونه خروا
است، یک منت از آن دلالت را جلوی
آدم‌ها می‌روایم:

دلیل اول - خر هده جا، جا دارد و
بیهین دلیل محترم است، زیرا بمضمون
در تنگنای قافیه خورشید خر شود،
خورشید با آن عنثت وقتی بخواند در
تنگنای قافیه جا پیدا کند باید خر شود.

دلیل دوم - در میان خرها، رجال
بزرگ تاریخی از قبیل «خر حضرت عیسی»،
پیدا شده اند که بر عده زیادی از رجال
اروزه مریت‌ها داشته‌اند.



کره خر به مادرش: «گری» بیهم گفت: امشب ما مانمو
میفرستم طویلله پیش مامانت خواستگاری!

کنار خر (و لند چموش)
افند رفیق، کمر سمدت پر دیار خر
از من رسان سلام به خرد و کبار خر
از موقعی که حزب خران منته آشکار
جرات نمیکند که شود کس سوار خر
بگذاخت آنکه بار همی برد خر بازور
سنگ و نمک دگر نتوان کرد باز خر
افسار خردست خود اوست بعد از این
در دست آدمی نبود اختیار خر
نارم بان صدای فرخ بخش و دلپسند
باشد همیشه خواندن آواز، کار خر
بر یونجه خران دگر نوبتش طمع
هگر نظر بلندی خرم، اعتبار خرم
شب در طویلله سرخوش و مست است خرد خرم
باهد بشرط آنکه ماچه خرم اندر کنار خرم
حسرت بر نند آدمیان از درشت و درو
دایم بکار و بار خرم و روزگار خرم
خواهی اگر ز راز خیریت شوی خرم
پوسته باش، همدم خرم، یار و غار خرم

دلیل سوم - ضرب المثل معروف
فارسی می‌گوید «هرگز نقد که بی سر
خر زانگی کنیم» و شرافت این
ضرب المثل را اینطور تصور می‌کنند که اگر
سر خر را از تن اعنای حزب خران
بردارند یک دقیقه زنده نخواهند ماند!

دلیل چهارم - خر نماینده فراوانی
و کمال است وقتی بر سر لغات گذاشته
شود اقاده این معنی را مینماید. مثلاً
وقتی باندجان و خمار بعد و فور می‌رسد
می‌گویند «خر خور» شده است. وقتی
می‌خواهند بگویند «الانی» زیاد کاری کنند
می‌گویند «خر کار» است. وقتی می‌خواهند
بگویند فلانی در نهایت راحتی است
می‌گویند آقا در ناز و نعمت «خر غلت»
می‌زند. وقتی می‌خواهند بگویند فلانی
زیاد متمول شد، می‌گویند «خر پول» شده
همینطور اگر بخواهیم قدرت و سرشاری
طبع بعضی از شرای حزب خران را
برسانیم باید بگوئیم خر طبع و خرد و فدا
«دم باله داردا»



کاربیکاری!!!

الفی : ۱- مخترع صف ۲- وید
سفید شیرینی ها - معنری همه ساله
وزارت کشاورزی ۲- آش مریض
دلبر جاهل ۳- نزد ایرانیان است و پس
۵- رنگه بزدل ۶- پدر بزرگه - همان ترازوست ۷- آبریز گاه
بجگانه - مال فراماسون ها چندی پیش منتشر شد . ۸- هواپیمای
هرجائی ۱

عمودی : ۱- سه قاب باز معهور - گر به را در
آن می کشند ۲- پادشاهی بها دار - لگد وارونه ۳
رنگش پریده - مرتاض سازها ۴- خدا کند اینرا
شما نداشته باشید ۵- فرش فقرا ۶- مادر عرب
پیرزن درب و داغون ۷- بردباری - دست قاراپل
۸- پسر نیت - « ترک » متلاشی شده .
(ص: آبدردک)



حل جدول شماره ۱۵

الفی : ۱- مداد ابرو ۲- آهنه - کور ۳- لندن ۴-
ید - ۵- آرایشگاه ۶- منم - کارت ۷- اشنو ۸- جیر جیرک

اسامی برندگان جدول شماره ۱۵

۱- تهران : آقای هوشنگ بهمنی و برنده یکسال
اشترک توفیق ماهانه ۲- اسفهان ، آقای علی بیات ۳-
تهران ، خام ط - محمدی نیا ۴- کاشان : آقای مهدی
هندراد ۵- تهران : دوهیزه مهناز رحیم زاده ۶- فومن :
آقای ابراهیم باستی و هریک برنده یک جلد کتاب توفیق ،
که جایزه شان از ماه آینده ارسال میشود .

عین این جوائز به کسانی که حل صحیح این جدول را
بفرستند داده خواهد شد . فقط کسانی هر فرعه کلی شرکت
داده خواهند شد که : نام و آدرس و شماره جدول را در
روی پاکت و توی نامه نوشته باشند . نام برندگان این جدول
و حل آن در سه شماره بعد اعلام میشود .

کمبود جا

علت اینکه دولت آمریکا تصمیم گرفته نیرو های خود را
از ویتنام جنوبی خارج کند ، اینست که اذیس سر بازان آمریکایی
در ویتنام زیاد شده اند ، دیگر برای خود ویتنامی ها جایی باقی
نمانده است ، برای رفع اشکال ، پامی بایست اهالی ویتنام جنوبی
را از کشورشان خارج کنند ، با نیروهای آمریکایی را ...



ممولی - جناب مرشد ۱
کا ۳۲ - جان مرشد ۱
جناب مرشد ، هواخیلی
گرمه ، میگم چطورده ما هم یکی
از همین کولر های وطنی واسه
تموشاچی ها بذاریم ؟

- لازم نکرده بچه مرشد ،
دهن تو باندازه کافی یخ هست
- جناب مرشد ، حالا که
تو دماغو سوزوندی دهنم هم
گرم شد ۱

- بچه مرشد برو سر اصل
مطلب ۱
- جناب مرشد ، نظرت
راجع به اینکه صدراعظم گفته
و خانمها لیاقت اشتغال پستهای
حساس را دارنده چیه ؟

- بنهم با صدراعظم هم عقیده ام
بچه مرشد ، واسه اینکه خانومها
از آقایون ، هم بهتر حرف میزنن
هم بیشتر ۱

- جناب مرشد ، مردم با
سوار کردن دوتا مسافر نوی یک
تاکسی موافقن ولی کسی به
سرفشون گوش نمیده ، باید
چیکار کنن ۱

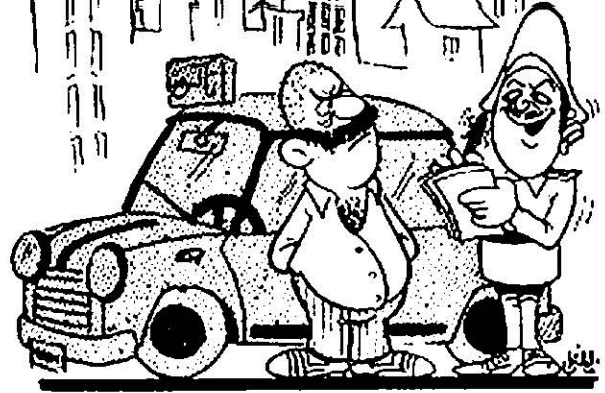
- هیچی ، باید به کاری کنن
که واسه تاکسی ها هم مثل
اتوبوس و دفرکت زالد و درست بفه ،
ار وقت تاکسی هادوتا که سهه ،
ده تا سوار میکنن و آخر سر ضرر
هم میدن ۱

- جناب مرشد ، جنوب
شهریها میکن ماهوا ندادم واز
شهرتاری هوا خواستن .

- بچه مرشد ، اینهمه شهرتاری
بهتون وعده داده که همیشه
بادهواس ، بازم هوا میخوان ؟
- جناب مرشد ، زنان
فستادردان تا یکماه اجازه ندارن
با شوهرانشون ملاقات کنن .

- بچه مرشد ، مراد ۴۳ جای
اونها بودم از پروت آمریکا
مطالبه ضرر و زیان می کردم .

- جناب مرشد ...
- زهر مار و جناب مرشد ،
پاخو در بریم مامور وصول مالیات
داره مهاد ؟
و زره آلودنگ ،



و کسانیکه ایجاد سروداکنند به پرداخت
جریمه محکوم خواهند شد - جراید
مامور - ۲۰ تومن جریمه صدات در بیان میشه ۲۵ تومن ۱



رو نوشت
جان ، شیفته ترزش آن غنچب تست
دل ، کشته کیوان همچون شب است
از دایره باغ گلشنم ، دیدم
برگه گل سرخ ، رو نوشت لب است
(زرشک)

وکیل یم
چون مردم عادی نخورم هرگز نم
زیرا که بود حامی من صدراعظم
شد و ره زبان من صحیح است احنت
روزی که شدم وکیل ، از حوزه یم
(بادمجون)

مایو
چنگ زدن میان دریا خوبست
پشتک زدن کنار من مطلوبست
از دین سکس ورقلمبیده تو
چون مایوی تو ، لوجه من مرطوبست
(نازک فارسی)

بازیگوش
بخت در دانشکده ای رفتم دوش
دیدم دوهزار و بیستم کوزه بدوش
هر یک بزبان حال ، با من میگفت :
یک کوزه بگیر و بیلمت بنداز تووش
(اسحق صرا کرد)



بدون شرح ۱

۲- نقشه محدود شده شهر تهران را انجمن شهر تهران که تمام اعضای آن عضو حزب دولت هستند تهیه کرده اند - توفیق



سرداعظم عسائی - این نقشه رو دولت آتشیده . ارباب رجوع - حزب تون کشیده بدتر از دولت ا...



در کمیته مبارزه با پشه و مگس گفته شد : جنگ پشه از بزرگترین نبردها است دلاوران جنگ پشه !



د خانم ها گران فروشان را لو میدهند ، خانم ها به ملت - خودشه !

رئیس مجلس از وزیر کشور خواست که درباره فاضل آب توضیح بیشتری بدهد . وزیر کشور گفت : فاضل آب يك لنت کلی است و به هر آبی که زاید است فاضل آب گفته می شود !

این قضیه مرا واداشت که بنشینم و يك داستان چند قسمتی بنویسم تا اگر در آینده کارگردانان خواهند نوشتند ، فبلی نظایر « هفت گناه کبیره » در چند قسمت بسازند ، بتوانند بصورت سناریو از داستان من استفاده کنند !

قسمت اول :

صحنه انجمن شهر است و اعضای انجمن پیرامون مشکلات شهری از جمله گوشت بحث می کنند :

یکی از اعضا - من از رئیس انجمن می خواهم که درباره گوشت توضیح بیشتری بدهد ...

رئیس انجمن شهر - گوشت يك كده يك سیلابی است که در ترکی به آن « دات » در انگلیسی « MEAT » و در عربی « لحم » می گویند . گوشت چیز است خودی که از بدن گوسفند و گاو و غیره بدست می آید ...

قسمت دوم :

صحنه جلسه دادگستری است و اعضای جلسه در باره اصلاح پاره ای از قوانین صحبت می کنند .

یکی از اعضای جلسه - من از وزیر دادگستری می خواهم که درباره « قانون برابری » توضیح بیشتری بدهد ...

وزیر دادگستری - هر گاه دو کفه ترازو در يك سطح قرار گرفت به آن برابری می گویند ! ترازو وسیله ایست که برای تمیز وزن یکسار می رود ، این وسیله از دو کفه ، چند رشته طناب و يك شاهین تشکیل یافته است . برای توزین اجسام ، سنگ و پاره سنگ از ضروریات است ...

قسمت سوم :

صحنه جلسه علنی مجلس است و وکلا راجع به سوء استفاده در شرکت زائد صحبت می کنند .

یکی از وکلا - من از آقای آمبرزا می خواهم که درباره این سوء استفاده توضیح بیشتری بدهد ...

آمبرزا - سوء استفاده بلند کردن پول را گویند . پول چیز خوبی است و انواع مختلف دارد نوعی از پول را که با کاغذ ساخته می شود اسکناس می نامند و مهمترین اسکناس ها صدی نام دارد ...



یکی بود یکی نبود . به مرد کله گنده موموم و مرخص شده بود بردنش اداره يك قانونی برای کالبد شکافی و ختنه کالبد شکافی کردن دیدن دستوران مسموم شده . رفتن یخه ب دستورانو گرفتن که :

- چی چی به این بابا دادی که وم شد ؟

صاحب دستوران گفت : گوشت ... صاحب دستورانو ولش کردن رفتن قصابی رو که به دستوران گوشت فته بود گرفتن و ازش پرسیدن :

- چه گوشتی به دستوران فروختی ستوران اونو داده به مشتری و ی مسموم شده ؟

قصاب گفت : « گوشت سگه ، ... رفتن یخه - ممدت میخوام گوش رو گرفتن که پدرسگه صاحب ، می خوردی که قصابه تورو فروخته ستوران و دستوران داده به مشتری نری مسموم شده ؟

سگه گفت : « گریه ، ... رفتن سبیل گریه رو گرفتن و ن : تو چی چی خوردی که سگه و خورده و قصابه سگه رو فروخته ستوران و دستوران سگه رو داده مشتری و مشتری مسموم شه .

گریه گفت : « میبوش (یعنی موش) رفتن دهب آقاموشه رو گرفتن و ن : تو چی چی خوردی که گریه ه و خورده ، سگه گریه ه رو خورده ب سگه رو فروخته به دستوران ، نودان سگه رو داده به مشتری و نری مسموم شه ؟

آقاموشه از خجالت سرشوانداخت بین و گفت :

- برنج فروشگاه فردوسی ، « بچه چوادیه »



کولر بادمجون

پاهمجون برای اینکه از شرمهای خان راحت شود ، به فروشگاهی می رود يك کولر آبی سفارش می دهد . پس از روز وقتی کولر را برای او می فرستند پهنترنگش قهوه ای است . با اعتراض ل را به فروشنده پس می دهد و گوید :

- مرتبکه حقه باز ... خیال کردی با لو طرلی ؟! من از تو کولر آبی قهوه ای می خواهم ، کولر گانه

از خواندن توفیق کا کا سیر نمیشم

میخوانم و میخندم و من پیر نمیشم

با خنده همه چیز او میگویم من کا کا

رود مثل اونای دیگه تسخیر نمیشم

اندیشه کا کا است بسی راستا حسینی

در بند ریا و پی تویر نمیشه

من ترس ندارم ز خدایان در روز

حق میگم و آزاده ز تکبیر نمیشم

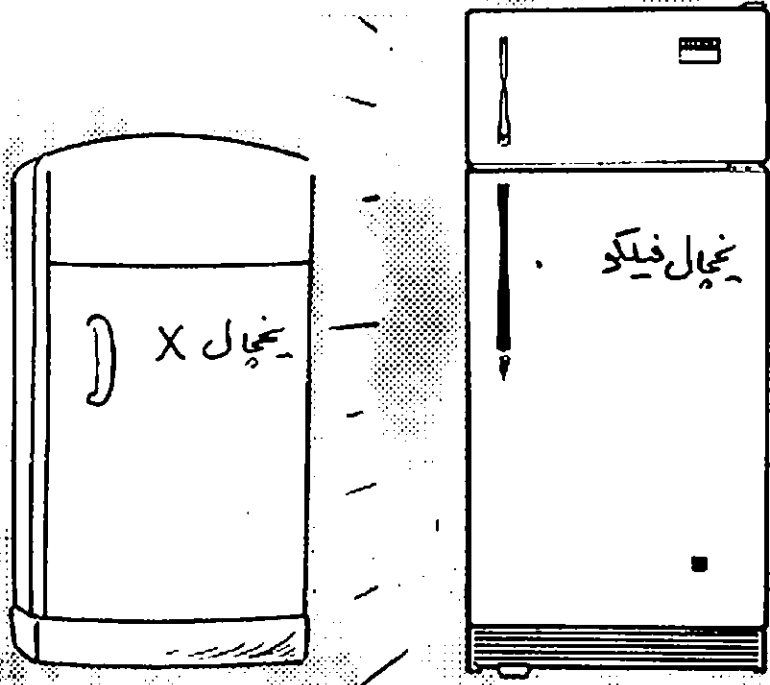
هر روز که چاپ بده توفیق کا کا چون

از خواندن او چون خودم سیر نمیشم

اعلامه ای که بین زارمین منتشر کرده ، مبارزه بر علیه کرم خاردار را همگانی اعلام نموده و از کشاورزان خواسته است با سه پاشی مزارع خود داخل هر چه کرم خاردار را بپاورند و از تخم ریویشان جلوگیری کنند .
حالا برای اینکه از این رهگذر کمکی به کشاورزان کرده باشم توصیه می کنم اگر می خواهند جلوی تخم ریوی این آفت را بگیرند در عوض بکار بردن سم ، مقداری روغن قباقی توی مزارع پنبه خود بپاشند و با این کارها که ابدالدهر جلوی تخم ریوی این آفت را بگیرند . « حیار حمیر »



چند حاتم چهار کردی که نامت مر زبوتیا افتاد ؟
حاتم طائی - هبجر « جوجه کباب حاتم » بمردم دادم !
زستوران حاتم - کسرا - جاده پهلوی - تلفن : ۶۲۲۲۸۱



فیل «کو» و نخچون



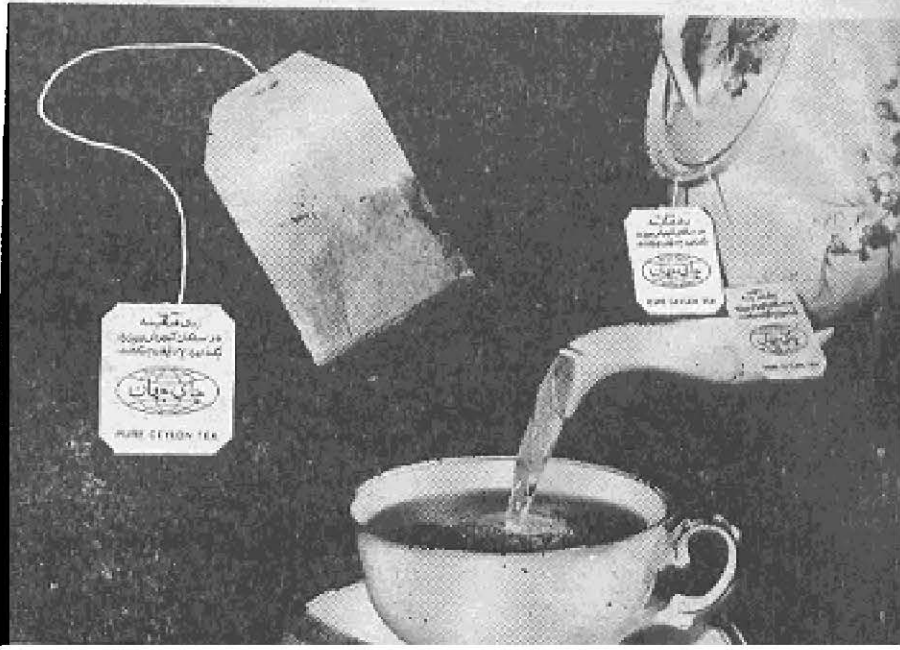
با من اینجا بیا ، تماشا کن هر چه خواهی بیا ، بنظر ، زینجا در تماشا بهوش باش ، بهوش خوشگل و بادوام و با حال است آند ، بر لشکر عطش تازه من را میگذاره بر خشکاش همه بنگاره پاک بنمایند بر رقیب است در همه دنیا پاک و خوب و تعمیر میشود سمبل پاک است و زیبای است هر چه میکرب بوه ذلیل کند میگذارد ، یکی یکی بر جا

دلبرای چمن و موختو واکن این «فروشگاه فیلور»ه جانا همه آماده از برای فروش «فیلکو» نام بنگانه پنجهال است آب در لحظه ای خشک سازه «چاروی برقی هوور» ایناهاش . پیش از هر چه گردو خاک آید این «لباشوکی هوور» جانا چرک اگر بر لباس ره جوید «ظرفشوی هوور» تماشالی است خود بنوید ، خود استریل کند پس از آن خشک میکنند همه را

فقط
ری. او. واک
دادای نوآر اطمینان کارخانه میباشد
RAY-O-VAC
فربترین بطری برای هر نوع رادیو و چراغ دستی



مری بقرمان گفتی - حواست جمع باقه باهاش گشتی نظیری !..
چون باطری دری - او - واک - بکمرش بسته خیلی «دوره»اره .



چای جهان کیسه یی

- برای مسافرت ، اگر بخوابید در قهوه خانه با بستل بازار چای خودتان مصرف کنید .
- برای هتل ها و کافه رستوران ها . اگر بخوابند رضایت مشتریان خود را جلب کنند .
- برای طخ فوری ، در منازل کم جمعیت .
- و با نرسره ، برای کسانی که اکنون چای کیسه یی مصرف کرده و به محضات آن پی برده اند .

جای جهان

عده فروشی : شرکت سهامی جهان تهران خیابان بزرگسرای غربی شماره ۱۱۱ - تلفن ۵۱۷۶۴۲
 خورد و فروشی : سوپرمارکت و خواربار فروشی های بزرگ .

دوشم ندا رسید ز درگاه کبریا
 ای بنده ، سوچه کاره دنیا کنم ترا !!
 با صد هزار ناله برون آمیدی که من
 بر صد هزار درد مداوا کنم ترا
 هی میکنی دعا که نجات دهم ز فلک
 هی آه میکنی که دری وا کنم ترا
 هرگز به عمر خوبی رباخور نبوده ای
 آخر چنان توانگر دنیا کنم ترا ؟
 «هیی» نبوده ای که شوی شادویی خیال
 «بیی» نبوده ای که هویدا کنم ترا
 بی چشم و گوش و ساکت و صامت نبوده ای
 تا که وکیل مجلس شورا کنم ترا
 رو شکر من بگویی و دل از این هوی بشوی
 « ترسم در این معامله رسوا کنم ترا »
 گفتیم به انکار ، خدایا ، خودت بگو
 پس من در این میان چه تقاضا کنم ترا !!

تسبیح

- چرا اکثر متهومان شرکت زائد در دادگاه يك تسبیح در دست دارند؟
 - برای اینکه میخواهند تسبیح نگردانند و بگویند:
 « مال خودم مال خودم ، مال مردم مال خودم! »



محمل اولی - باشش تا تجدیدی امید فیلو هم هاری !
 محمل دومی - چه جورم ، آخه تویی گروه فرهنگی سهیل
 ثبت نام کردم .
 « کود کستان - دبستان و دبیرستان سهیل »
 (برای دوره اول و دوم متوسطه ریاضی - طبیعی)
 با همکاری آموزگاران و دبیران کار آرزو ده همه روزه صبح
 عصر ثبت نام بشمارید .
 تفانی گوه کستان و دبستان : امیریه اول میامی - تلفن ۷۱۸۲
 تفانی دبستان : بلوی طاق کاخ سهیل - تلفن ۲۰۵۹



- ملاحظه می کنید ما با خریدن «کانادا» هم یاغران میوه مبارزه

شغالت

یکتیب بده تخفیف بین نرخ و صالت
 بگذار که با بوسه بیارم سر حالت
 من دوست ندارم که به همدرا تو بینم
 ریخت پدر بد عشق همچو شغالت
 شهر تو جنوبش همه زهت است، ولیکن
 نیکو-ت جنوب تو و خوبت شمالت
 تا از لب شورین تو صدبوسه بگیرم
 ایگاشی سر بل بشوم «بره بلالت»!
 دیگر نکنم من هوس برق قاراعمش
 با روشنی چهره خورشید. مثال
 در شهر وجود تو جهانگرد نگاهم
 پالاروه از قلعه زیبای جبات ا
 گردیده دل عاشق من خاکه زغالی
 در زانی گفتت و سیه همچو زشالت
 آن کله زیبای تو بیگانه ز فکر است
 همسطح فداپنده شورباست خیالت
 یک بوسه بده تا دهمت رأی و کالت
 تا پرشود از اسکن بی پیر، جوانت

دو خبر

- ۱- د هویدا در جنوب روزی دو بار پیراهن عوض می کرد - جراب
- ۲- د نصرت وزیر ویتنام جنوبی هم روزی دو بار شلوار عوض می کند ۱ - مرابند



شوهر - نه میدم آبروی کیو میخوای بیری...
 زن - آبروی بلورو مرمررو ، با مصرف « کوسمون پابلور »
 مخورم چون رسیده فصل گرمه
 کدر ، یاز برکتی بی نهایت
 نیشاید خوری اندوه بسیار
 دو پایت را که در تو صیف تا
 لطافتی بخشد اعضای شما را
 همه پای ترا چون شیشه خفالت
 خوشا بر حال تو مصرف کنند
 سازه دار - دهنده باغور آفتاب

امروز

فردا

دیروز : اگر
 اتومبیلی را میدزدیدند
 میگفتند : از آدرس لوین
 جلو زده .
 امروز : هواپیمای ما
 را تندیستند در آسمان
 میدزدند .
 فردا : کفودهای
 کوچک را با جاش، بدزدند
 و میبرند ضمیمه کشورهای
 بزرگه میکنند !
 * * *
 دیروز : روزنامه ها
 هادی افکار عموم بودند
 و از عفت قلم حرف میزدند.
 امروز : ازدواج
 آزمایشی و مسئله « گزل
 فرند » و « بوی فرند »
 و « تخمبلی چیزهای دیگر »
 را مطرح می کنند .
 فردا :
 (ساندور بند ، امضاء :
 مولی ا)
 * * *
 دیروز : دزدی و
 اختلاس در ادارات از
 چند هزار کومن تجاوز
 نمی کرد .
 امروز : اینقدر
 میدزدند که اگر آن
 پولها را توی اتوبوس های
 شرکت ذاکد بریزند همه اش
 پر میشود !
 فردا : در روزنامه ها
 میخوانیم که فلان اداره
 را با درو دیوارش دزدیده
 و بدست نامعلومی برده اند !
 * * *
 دیروز : اگر کسی
 حرف حساب میزد از صد
 نفر نود نفر گوش میدادند.
 امروز : از صد نفر
 یک نفر گوش میدهد .
 فردا : له تنها یک نفر
 هم گوش نمیدهد ، بلکه
 گوش گوینده را هم میبرد
 که چرا حرف حساب زوی ؟
 * * *
 دیروز : اگر یک
 جوان بی پول و پارکی
 نتوانی شلرم میگرد ، فقط
 جواب میدادند ، کار نیست
 امروز : با اردنگی
 بیرونی میکنند .
 فردا : متقاضی را
 تحویل دادگاه می دهند !
 « گل مولا »



- برای چی میخوانی تعریف پیرین ایران !
 - برای دیدن برنامه های « کاباره دانسینگ
 شکوفه نوا » - تهران - تلفن : ۹۵۴۰۴۴ و ۹۵۴۰۳۳
 « کازینو ساحلی شکوفه نوا » : پنج کیلومتری چالوس بر امسر
 تلفن : ۹۶۶

حشره کش کارپل



شهر - نه میدم آبروی کیو میخوای بیری...
 زن - آبروی بلورو مرمررو ، با مصرف « کوسمون پابلور »
 مخورم چون رسیده فصل گرمه
 کدر ، یاز برکتی بی نهایت
 نیشاید خوری اندوه بسیار
 دو پایت را که در تو صیف تا
 لطافتی بخشد اعضای شما را
 همه پای ترا چون شیشه خفالت
 خوشا بر حال تو مصرف کنند
 سازه دار - دهنده باغور آفتاب





عبدال... - نوزدهم خرداد این چه خود گم شده که...
تاج... - نوزدهم خرداد این مال تو بزرگت باز دونه...
تو جی... شما فریاد...

فایده خرابی ا

خرابی خرابیهای تهران اگر هزار عیب داشته باشد ، یک حسن دارد و آن اینست که ماشینها از ترس کله پا شدن توی جاده جولاها ، آنقدر آهسته می روند که نه تنها آدم ، بلکه مورچه هم زیر پای ماشینها () آسیمی نمی بیند !



یکی از نمایندگان حزب ایران نوین در حالیکه به رامبد حمله می کرد به نمایندگان گفت : ایشان هنوز نتوانسته اند قبول کنند که نماینده مردم هستند . - جراید

وکیل با انصاف

میان مجلس هویدا و وکیل از وکیل که تو هنوز نداری قبول این مطلب میان مجلس شور با کنور وکیل تویی من این خبر چوشیدم بریر لب گفتم وکیل بودن خود را کسی که انکارید (1)
میان جمله وکیلان به اعتقاد حقیر همین یکی بود الحق وکیل با انصاف!

مکافات !

حتماً این مثل را شنیده اید که : کرد در بلخ آهنگری به شوشر زدند گردن مسگری ، حالا ماسافران اتوبوسهای زائد ، ایم مسگره و منهمان شرکت زائد اند آهنگره !
چون گناه را این حضرات کرده اند ، مکافاتش را ما که در صف زائد مان بپند آمده ، باید ببینیم !

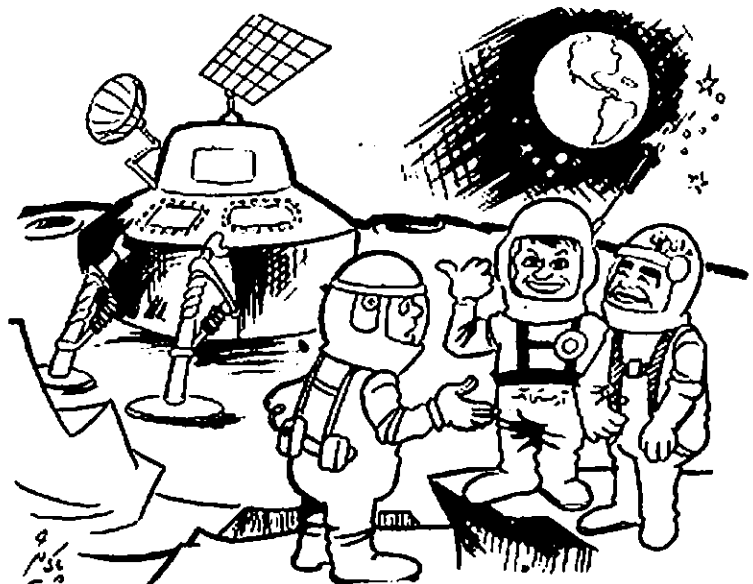
اظهار نظر درباره سفر به ماه

امروز خانم ماه طلعت ، خانم درباره - فرانسوا به کوره ماه اظهار داشتند : اگر ترتیبی داده می شد که بازرسهای شرکت زائد ورود و خروج آپولورا ، ایستگاههای فضایی کنترل می کردند مسلماً آپولورا ۱۱ خیلی زودتر از زمان ملی به ماه می رسید که البته اتوبوسهای شرکت زائد هم از ترس بازرسها قبلی زودتر به مقصد میرسند !
آقای دکتر شهر به زاده نیز که بنیادگذار « ماهانه » یعنی شهریه مدارس در ایران هستند گفتند : از این پس دیگر وزارت آموزش در مسابق را دره ورد معلم های اضافی ، نخواهد داشت و بلافاصله آنها را به کوره ماه انتقال خواهد داد ، چون آنطور که تدبیر و تحقیق شخصی اینجانب نشان میدهد ، مدارس کوره ماه برعکس ما از نظر معلم ، زیاد در مضیقه هستند ! (ضدضریه)



دکتر معمولی برای همه بچه های خوب ، در بزرگی یک بلیت مسافرت به کوره ماه آرزو می کند :

عده ای از علاقه مندان من (1) اعتراض کرده اند که چرا در بعضی شماره ها ، مثل این شماره ، توی سرگلیته و مقاله ها ، پاهای منوهم مثل دست کشیدن ! ...
در جواب باید خدمت شون عرض بکنم : برای اینکه بعضی از خواننده ها منو چهارپایه که فرض نکنن سهله بدونن که اسم آدها یک دلیل ارجحیت شون به حیوانات ، داشتن دو تادست ، است ، من اولین موجود چهار دست ، دنیا هستم ! ... یعنی نه تنها من بلکه همه ما میمون ها حتی انگشت های دیبا مون هم مثل بعضی از شما آدها یا لااقل مثل انگشت پای شما آدها پیکاره نیست و مثل انگشت های دست شما کار میکنه !
آره آقای اسدالله کیلانفر : در رسیدگی به وضع شرکت زائد ، طبق مدارگی که بدست بازرسان افتاده ،



آلدرین - اینو دیگه واسه چی آوردی ؟
آدمسترانگ - آوردم که اسم جدول ماه نشین از روی کوره ماه بلند

رقبای شرکت زائد علاوه بر سوء - استفاده های کلانی که میکردند ، برای سرپوش گذاشتن بر روی این سوء - استفاده ها ، همه هفته مبلغ هنگفتی هم بابت «حق السکوت» به این وان میدادند تا سوء استفاده هاشان منتشر نشود ، که فقط در عرض یکی دو ماه سال گذشته این مبلغ به مایونها ریال زده بود .
مناسفانه از این قبیل ادارات و مؤسسات در مملکت مسا تعدادشان زیاد است و «حق السکوت» هالی که می پردازند باور نکردنی است ... و حالا دیگر خود شما می توانید حساب کنید ما در این مدت چهل و هفت سال بایکدنگی و «انتقاد مداوم» و «حق گوئی خودمان» از چه پولها و «حق السکوت» های کلانی گذشته ایم ... و اضافه بر آنچه دشمن های پولدار و زوردار برای خودمان درست کرده ایم که به خون ما تشنه اند چه رسد به آپرویمان ... و همه کاری علیه ما میکنند که حداقلش تبلیغات علیه ما ، باطایف الحیل و بهر وسیله که بتوانند .
و اینهم تذکر آخر و خدا حافظ تا هفته دیگه :

عده ای از خواننده اسم منو دکتر معمولی ! مینویسن ... من از این اسم خیلی بدم میاد ، چون از این دکتر معمولی ها نیستم و دکتر معمولی ام !
باحق : دکتر غیر معمولی !



بهای اشتراك توفيق

يكماه : ۵۰ تومن
ششماه : ۲۸ تومن

برای کلیه کشورهای خارج با پست زمینی

يكماه : ۵۵ تومن
ششماه : ۳۰ تومن

شما هر جا که باشید ، بهای اشتراك هريك از نشریات توفیق را میتوانيد وسیله هريك از شعبه های بانک صادرات یا (بانکهای دیگر) در سراسر کشور به :
« حساب شماره ۵۰۰۰ توفیق »
در « بانک صادرات مخبر الدوله » حواکه کنید ،
ورسید آنرا همراه با اسم و آدرس کامل و خواهای مشترک وسیله پست به آدرس :
« تهران - روزنامه توفیق - قسمت مشترکین » فرستید
تا ترکیب اشتراك شما داده شود

توفیق

سبیل

آنکه بود سببشان دست بیل
بروند به خانه پول را با زنبول
با هوی سبیل خویش بازی کردند
کایانوم بود از تالام بیج سبیل ؟

منافع پرواز آپولو

پرواز آپولو - ۱۱ تمام مسائل جهان از قبیل جنگ و بنام و اختلاف انرا بر او اثرات انحصاری قرار داد .
اگر در کشور خودمان هم دیگر ازده ، نلی مثل محاکمه متهمان شرکت زائد ، کمپانی گوشت ، شیوع گاوگیری ، دزدان مسلح بقادار ، مالیاتها و عوارض کمر شکن و هزار مسئله دیگر حرفی زده نمی شود ، بهمین جهت است که این مسائل تحت اشاعه پرواز آپولو قرار گرفته اند و ناخبر !
(لوده)



حاشیون هنگام پر نشاب آپولو
۱۱ حضور داشت . . . - جراید
چنگسون - خوب بود یه چندتا به هم بپوشون
میاد این معنی نه بنادان تو کر ۱۵!

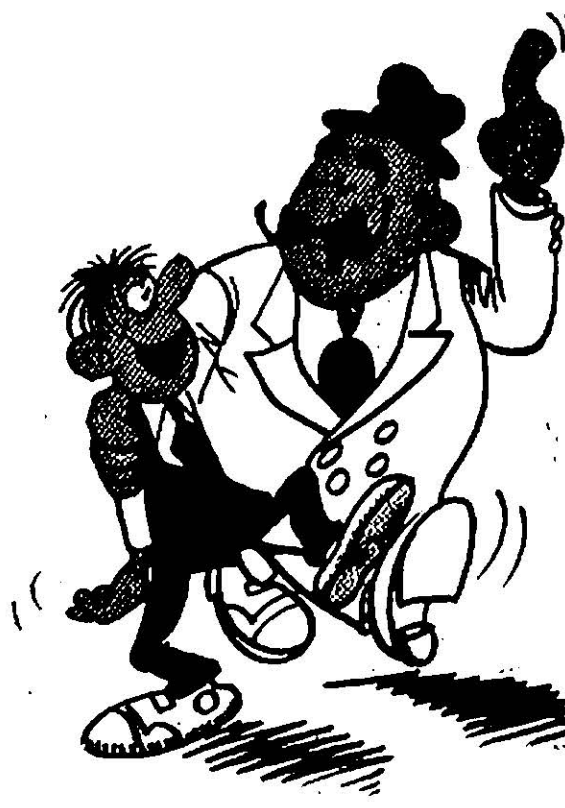
خطر طاعون !

- آری بان ممکنه
خداوش کنیم همه نوبن
- ساعده بوم بدین ؟
- نه ، خودتوسبک
نکن بیرون از روزیکه
طمان بون گاو یه شیوع
پیدا کرده من دست به
د گاو صندوق ، نمیزانم !
مخترع پیاده روی !
چون پیاده روی یعنی
استفاده از خط ۱۱ در
کشور کنونی بیل در واقع
انگیزه ای بود در ای ساخته
شدن آپولو ۱۱ ، لذا ایمنی
از افتخاری که به سبب
سازنده آپولو - ۱۱ و
سر نشینان آن خواهد شد
به مخترع خط ۱۱ میرسد
این یادمان باشد .

تعمیر جاده !

خبر رسیده از وزارت
پیرانه ، خاکبست که جاده
دهرازه از سمت آبدلی به
فیروزکوه کاملاً تعمیر
شده و برای عبور هر نوع
اتومبیل آماده میباشد ،
فقط مانده که از سمت
فیروزکوه به آبدلی هم
تعمیر بشود که اتومبیل ها
از فیروزکوه هم بتوانند
وارد جاده آبدلی شوند !
(بستانای کار)

سایه داموند



فیلم « اولیور » بهترین فیلم سال ۱۹۶۸ - برنده
« جایزه اسکار » در « سینما دیاوند »
جلوی سینما دیاوند
ولی به دومی !
- آنگه به بلیت فیلم اولیور ابرام گیر بیاری
(شیش تا جایزه اسکار) پیش من داری !

یخچال برقی

شوخ
از زمان برق ، اندر سال جاری
سرای ما به شب تیره است و تاری
سحر در داخل یخچال برقی
دو بطری آب خوردن سر برداری
شدنکه گرم تر باشد از اول
چو از یخچال آنها را در آری
به تهران تا که وضع برق این است
بود یخچال برقی چون بخاری



دزدان نقابدار ایرانی در تهران به بانک
ایران و انگلیس دستبرد زدند - جراید

جاسبول - بی زحمت نصف پولت را برو که ورداشتهی رد کنی
بیاد که مال ماست .
- شما هم بی زحمت پول نفت هالی رو که میبرین رد کنین
چون همش مال ماست .

توتینا

بعد از فروش
پس گرفته میشود

مجلسه اضافه بها : همان ۱۰۰ ریال
بمسئمت سفر به کرده ماه
« ماه » مخصوص
« ماه » حزب خزان

« ایه از شکایت خود از گو گوش صرف نظر کرد و بحالت قهر از او جدا شد »

ایه - من ناتوقهرم... بخدا، من باتوقهرم !

« بریزیت باردوستم : من هرگز بماه نخواهم رفت - خبر گزاریها

- تو خودت ماهی جیگر چون « ماه میخوای بری چیکار !!



« هویدا! روزی شش ساعت برای نسل آینده کار میکند - جراید

- قربان به ارباب رجوع میخواند خدمت تون برسه -

- آسه از نسل فعلیه بگو وقت ندارن، دارن برای نسل

آینده کار میکنن!

